

کشف يك تن مواد منفجره در اسپانيا از تروريست های جمهوری اسلامی



دوشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۶۸ برابر با ۴ دسامبر ۱۹۸۹
بهاره ۶۰۰ ریال سال ششم شماره ۲۸۵

”انصاف و هوشمندی در فهم جریانات کشور“

پس از مرگ خمینی تا امروز، می‌توان سه ”فصل“ را در مناسبات میان جناح‌های درون حاکمیت متمایز کرد: فصل اول، بلافاصله پس از مرگ خمینی، فصل سرو سامان دادن به جانشینی خمینی، تصویب متمم قانون اساسی در جو انگیزه پس از مرگ خمینی و انتخاب ریاست جمهوری و باین وسیله ”تثبیت نهادهای قانونی“ بود.

در این فصل تاکید همگی عناصر حکومت بر وحدت در دوران آن بود. این تاکید بر انتخاب فوری خامنه‌ای بعنوان جانشین خمینی مبتنی شد.

فصل دوم، فصل یورش جناح ”میان‌رو“ به سرمداری رفسنجانی و خامنه‌ای، به جناح ”تندرو“ و کسب بسیاری مواضع حساس توسط جناح اول بود. گرفتن رای اعتماد مجلس توسط کابینه پیشنهادی رفسنجانی، تسخیر چندین پست کلیدی قدرت و حذف عناصر جناح مقابل از این پست‌ها و تبلیغ سیاست‌هایی که به ”خمینی زدایی“ پهلوی می‌زدند توسط جناح ”میان‌رو“، مشخصه‌های برجسته این فصل اند.

فصل سوم، فصل یورش متقابل جناح ”تندرو“، کسب محدود پاره‌ای موقعیت‌های از دست رفته و ایجاد وزن مجددی در زندگی سیاسی کشور توسط جناح نامبرده بود. عقب نشینی رفسنجانی از بسیاری از مواضعش خاصه در زمینه مسائل سیاست خارجی و توسل هر چه بیشتر خامنه‌ای به ”چپ‌نمایی“ و ”وحدت خواهی“ و هم چنین کوشش هر دو جناح برای جلب بخش‌هایی از مردم، یکی با توسل به سیاست ”ارزش‌های مورد قبول و تاکید امام“ مثل تجلیل از سالگرد اشغال سفارت آمریکا، و بقیه در صفحه ۷

هنوان دانشجویان ده بودند. جمهوری اسلامی برای اجرای مقاصد تروریستی خود در سراسر جهان پایگاه‌های متعددی دایر کرده است که تحت عناوین مختلف از جمله شرکت‌های تجاری، خانه‌های ”فرهنگی“ و قیره مشغول به اقدامات تروریستی می‌باشند. البته قبل از همه نمایندگی‌های رسمی دولت اسلامی در کشورهای مختلف مرکز و سرچشمه هدایت این گروه‌های تروریستی هستند. دولتمردان جمهوری اسلامی از افرادی که ملیت غیر ایرانی دارند نیز برای اشاعه تروریسم استفاده میکنند. نمونه‌های مختلف مانند ماجرای مکه و دستگیری و اعدام ۱۶ کوییتی توسط رژیم سعودی و انفجار هواپیمای آمریکائی توسط یک حزب الله هرب از جمله اقدامات تروریستی رژیم فقها توسط مزدوران غیر ایرانی‌شان است.

روز جمعه ۲۴ نوامبر پلیس اسپانيا موفق به کشف يك تن مواد منفجره متعلق به يك گروه تروريستی ”حزب الله“ در والنسيا گردید. در این ارتباط ۲ تن از اعضای ”حزب الله“ در والنسيا و ۸ تن دیگر در مادرید دستگیر شدند. این گروه از اعضای حزب الله لبنان وابسته به جمهوری اسلامی می‌باشد که از يك سال قبل تحت پوشش يك شرکت صادرات - واردات در والنسيا فعالیت داشته است. به گفته پلیس مواد منفجره در قوطی‌های کنسرو جاسازی شده و در حال انتقال به آدرسی در مادرید توسط یک کشتی تجاری هربی بود.

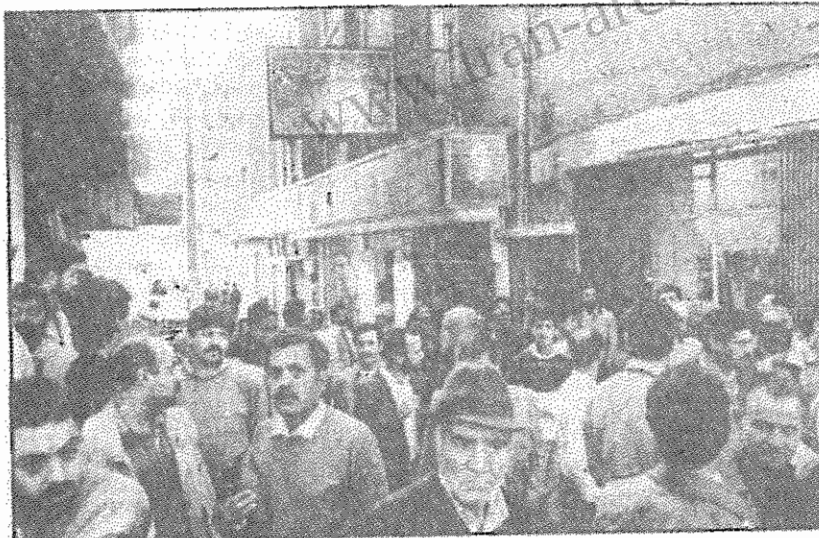
گفته می‌شود هدف این گروه ایجاد يك پایگاه جدید برای فعالیت‌های تروریستی در اروپای غربی و امریکا بوده است.

در میان دستگیر شدگان افرادی با ملیت‌های مختلف از جمله عراقی، لبنانی، سودانی و کوییتی دیده میشوند. اغلب دستگیر شدگان خود را به

مبارزه با تروریسم اقتصادی توسط تروریست های اقتصادی

زراندوزان و سودجویان و ثروتهای بادآورده آنها“ که در شرایط فیر هادی زمان جنگ حاصل آمده‌اند، بعنوان عامل مهم نابسامانی اقتصادی و بقیه در صفحه ۲

۱۳۶ تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رفسنجانی خواهان برچیدن کلیه شرکت‌های مضاربه‌ای شدند. در نامه، ”حضور روزافزون و فعال



از دحام برای باز پس گرفتن پول به وام داده شده از یک شرکت مضاربه‌ای

در این شماره

* تشدید فعالیت ”سازمان بورس و اوراق بهادار تهران“

در صفحه ۲

* حمایت از تظاهرات بمناسبت روز جهانی حقوق بشر

در صفحه ۱۲

* درباره سیمای نوین سوسیالیسم

در صفحه ۱۲

پدیده ”افسردگی“ در میان مردم

ارائه نتیجه تحقیقات خود در رابطه با میزان و علت افسردگی در بین اقشار مختلف جامعه پرداختند.

گزارش‌های مختلف علیرغم شرح موضوع از دیدگاه‌های بقیه در صفحه ۷

طی روزهای ۳۰ آبان و اول و دوم آذر از طرف گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران یک سمپوزیوم افسردگی در بیمارستان روزبه برگزار شد. در این گردهمایی متخصصین امر و سخنرانان، هریک به بررسی و

مبارزه با تروریسم اقتصادی توسط تروریست های اقتصادی

بقیه از صفحه اول

کمی از نزدیک تر بررسی کنیم: گزارش رسمی بانک ملی ایران درباره حجم نقدینگی موجود در جامعه و شدت رشد آن حاکی از آن است که موجودی اسکناس در سال ۱۳۳۵ کمی بیشتر از ۱/۵ میلیارد تومان بوده است. این موجودی در سال ۱۳۶۵ به ۱۵۰۰ میلیارد در حال حاضر به ۱۹۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

از یک سو روشن است که این درجه رشد حجم اسکناس، اولاً بسیار بالاست و در ثانی مطلقاً ناشی از افزایش ارزش افزوده جامعه نیست، بلکه محصول ساده چاپ بی رویه اسکناس توسط دولت است. رانیده طبیعی چنین اقدامی هم چیزی جز تورم و گرانی سرسام آور و خالی شدن هرچه بیشتر سفره زحمتکش نیست. هر شرکت های مضارب های بیش از چند سال نیست اما تورم و گرانی و کمبود و نابسامانی اقتصادی در رژیم جمهوری اسلامی همسایه رژیم است. از این رو، این نه شرکت های مضارب های بلکه خود رژیم است که باید بعنوان حامل مهم و اصلی تورم و گرانی و نابسامانی اقتصادی به مردم معرفی شود.

از سویی دیگر، باید پرسید که مگر حجم کل سرمایه های شرکت های مضارب های در مقابل ۱۹۰۰ میلیارد تومان موجودی اسکناس چقدر است؟ با تاکید بر اینکه شرکت های مضارب های پدیده های در خور یک اقتصاد بیماراند و محلی برای سودآوری های کلان برای عده ای محدود، که باید برچیده شوند، اما اینرا نیز باید گفت که بر اساس تخمین های موجود، حجم کل سرمایه های این شرکت ها به ۱۰۰ میلیارد تومان هم نمی رسد. واقعیت این است که یخش اساسی نقدینگی موجود نه در شرکت های مضارب های که گاه با مشارکت تعداد نسبتاً زیادی اندوخته های خرد ایجاد شده اند (برای مثال شرکت شیمیا - یکی از این شرکت ها - با پول ۱۵۰۰ نفر پرسنل نیروی هوایی ایجاد شده است و چنانکه کیهان می نویسد: "اکثراً با فروش اثاثیه و فروش لوازم زندگی مبلغی

رفسنجانی و دولتش نیز تا کنون بسیار بر طبل ضرورت راه انداختن چرخ تولید کوبیده اند. بی مناسبت نبود که ۴ روز پس از انتشار نامه فوق الذکر اعلام شد که بازار بورس تهران به دامنه فعالیت خود گسترش خواهد داد و دولت باین منظور بعضی تسهیلات را فراهم خواهد کرد. از جمله معاملاتی که در این بازار صورت می گیرند از مالیات معاف خواهند بود.

در شرایطی که بخش های مختلف سرمایه از میدان و امکان متوازی برای فعالیت برخوردار باشند - مشخصه ای که مطلقاً به اقتصاد امروز رژیم تعلقی ندارد - سمت این اقدامات و تصمیمات متوجه "سوق دادن سرمایه های مردم بسمت تولید" خواهد بود، اما گستره این اقدامات را در چارچوب اقتصاد امروز رژیم،

تشدید فعالیت "سازمان بورس و اوراق بهادار تهران"

شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بخش های سیمان، فولاد و تولیدات صنعتی، غذایی و شکر، نساجی، وسایل نقلیه و لوازم، کافه قهوه و فیور، وسایل خانگی و ساختمانی، شیمیایی و خدمات می باشد.

تاریخچه فعالیت سازمان بورس اوراق بهادار تهران به سال ۱۳۴۶ باز می گردد. در سال ۱۳۴۵ طبق قانونی که توسط رژیم شاه به تصویب رسید این سازمان موجودیت یافت و از سال ۱۳۴۶ فعالیت خود را در زمینه فروش اوراق بهادار آغاز کرد.

در طول فعالیت بازار بورس تهران تا سال ۱۳۵۷، فروش و معامله سهام ۱۰۵ شرکت و بانک و چند موسسه تجاری - خدماتی به عهده این سازمان بود و بزرگترین رقم معامله این بازار در سال ۱۳۵۶ به مبلغ ۴۴ میلیارد ریال به ثبت رسیده است.

فعالیت بازار مزبور پس از توقف چند ساله از زمان انقلاب بهمن ۵۷ در سال ۱۳۶۳ بدلیل احتیاجات ریالی و ارزی حکومت اسلامی از سر گرفته شد و به موازات تشدید بن بست مالی آن افزایش یافت بطوریکه میزان معاملات این بازار در سال ۶۷ به مبلغ ۱۰ میلیارد ریال رسید.

۳ - دولت به منظور برچیدن این شرکت ها اقدام لازم را مبذول دارد.

۴ - دولت از چاپ آگهی ها و تبلیغات این قبیل موسسات و شرکت ها جلوگیری بعمل آورد. پیش از اقدام این نمایندگان، تبلیغات وسیعی نیز در تلویزیون و در مطبوعات علیه شرکت های مضارب های به پیش برده شد. چه تبلیغات مذکور و چه نامه جمعی از نمایندگان مجلس صله خود را بر نقش مخرب این شرکت ها در اقتصاد کشور، بصورت اشاعه دلالتی و انصراف از سرمایه گذاری های تولیدی، متمرکز کرده اند و "مبارزه با تروریسم اقتصادی و باندهای سیاه" و سوق دادن سرمایه های مردم بسمت تولید ملی را اهداف مبارزه ای که باین شرکت ها باید به پیش برده شود اعلام کرده اند.

سلماسی در سخنان خود افزود: نظر ما این است که وزارتخانه ها، سازمانها و ارگانهایی که سهامدار همده واحدهای تولیدی هستند بازاد بر ۵۱ درصد از سهامشان را از طریق بورس اوراق بهادار به مردم واگذار کنند.

وی در ادامه گفت: برای اینکه اعتماد مردم به بورس اوراق بهادار بیشتر جلب شود ضروری است تکلیف آن دسته از سهامداران واحدهای تولیدی که بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران سهامشان ملی شد روشن شود.

در همین راستا "حسن فهمی راد" قائم مقام رئیس کل سازمان بورس اوراق بهادار در مورد شرایط پذیرفته شدن سهام کارخانه ها در بورس اوراق بهادار گفت: بورس اوراق بهادار یک شورای پذیرش دارد که این شورا وضعیت مدیریت، بافت مالی، نوع تولیدات و بازار مصرف شرکت های سهامی عام متقاضی پذیرش در بورس را بررسی و در صورتی که این عوامل مثبت ارزیابی شوند سهام این واحدها از طریق بورس اوراق بهادار به مردم عرضه خواهد شد.

مطابق اظهارات "فهمی راد" زمینه فعالیت

اجتماعی معرفی شده است. در این نامه فعالیت "برخی از ثروتمندان و قانون اسلامی مضارب اقدام به تاسیس و تشکیل موسساتی تحت عنوان شرکت های مضارب های" مورد "انشاء" قرار گرفته و نتایج نامطلوب این فعالیت، خاصه منحرف کردن اندوخته های مردم از گرایش به سمت تولید ملی، بر شمرده شده و در پایان خواسته شده است که: ۱ - دولت تسهیلات ضروری جهت جلوگیری از خروج سپرده مردم بخارج از مرزها به عمل آورد.

۲ - دولت از ثبت رسمی اساسنامه شرکت های مضارب های و موسسات و سازمان های مشابه آنها در مراجع رسمی و قانونی جلوگیری بعمل آورد.

در پی سیاستهای جدید اقتصادی حکومت و گسترش زمینه های فعالیت بخش خصوصی در کشور، "بازار بورس تهران" به تشدید فعالیت های خود در زمینه فروش سهام و اوراق بهادار واحدهای تولیدی پرداخت.

طبق گزارش های سازمان مزبور فعالیت این مرکز در پی رکودی چند ساله مجدداً گسترش یافته بطوریکه میزان فعالیت این سازمان در طی ۸ ماهه فروردین تا آبان ماه ۸۶ نسبت به میزان مشابه در سال قبل ۶۰ درصد افزایش داشته و حجم معاملات آن به ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال رسیده است. این فعالیت در فاصله یک هفته یعنی از تاریخ ۲۵ تا ۲۴ آبان ماه مبلغی بالغ بر ۲۶۹ میلیون و ۴۶۳ هزار و ۹۷ ریال بوده که سهام مربوط به ۱۹ واحد تولیدی را در بر می گیرد.

رجائی سلماسی رئیس کل سازمان بورس اوراق بهادار تهران اعلام کرد: از طریق بورس اوراق بهادار سهام شرکت ها و واحدهای تولیدی به "مردم" از طریق کاملاً نظارت شده عرضه می شود و به همین دلیل خطر سوخت سرمایه نه تنها وجود ندارد بلکه منافع قابل توجهی نصیب سهامداران خواهد کرد.

“اول تست می کنند تا بعداً آمپول را بزنند”

اتوبوس های ریالی شرکت واحد به جای اتوبوس های بلیطی به کار افتادند



در میهن آخوندزده ما مردم زحمتکش از هر طرفی چپاول می شوند. رژیم آخوندی برای چرخاندن اقتصاد فلج و بیمار کشور، هر روز به شیوه ای تازه به جیب خالی زحمتکشان دستبرد می زند. در سال های گذشته قیمت بلیط اتوبوس های واحد به تدریج از ۵ ریال به ۱۰ ریال افزایش یافت و اکنون طرح ۲۰ ریالی شدن اتوبوس های شرکت واحد و گرفتن پول به جای بلیط توسط راننده به مرحله اجرا درآمده است. البته سرمداران رژیم از حمایت مردم نسبت به افزایش قیمت این وسیله عمومی آگاهند و با توجه به نمونه های تاریخی و اعتراضات عمومی مردم در مقابله با افزایش قیمت بلیط اتوبوس های واحد، برای عملی ساختن طرح چپاولی خود با احتیاط قدم بر می دارند. از پانز سال گذشته در چند خط اتوبوس رانی شهر تهران طرح فوق الذکر بطور “آزمایشی” به کار گرفته شد و اکنون حدوداً در هشتاد مسیر از این شیوه استفاده می شود.

جریان از این قرار است که اتوبوس ها به جای بلیط از مسافران وجه نقد به مبلغ ۲۰ ریال اخذ می کنند و شرکت واحد اتوبوس ها را روزانه از قرار ۸۰۰ و اخیراً ۱۰۰۰ تومان به رانندگان اجاره می دهد. راننده مجبور است هر روز ۱۰۰۰ تومان به شرکت بپردازد و نیز دخل و خرج خود را نیز از این راه بدست آورد. البته هلت و فلسفه ظهور اتوبوس های ریالی از طرف شرکت واحد سریع السیر بودن این اتوبوس ها ذکر شده است. به این ترتیب که این اتوبوس ها در ایستگاه های کمتری در بین راه توقف داشته و مسیرشان از بزرگراه ها و نقاط کم ترافیک شهر بوده است.

و اما ببینیم این ادعاها در عمل به چه شکل درآمده اند و چه مشکلی را از مشکلات بیشمار مردم حل کرده اند. رانندگان این اتوبوس ها برای تامین هزینه سرسام آور زندگی خود و پرداخت روزانه ۱۰۰۰ تومان به شرکت واحد بیش از حد ظرافت سوار می کنند و برعکس ادعای مسئولان هلاوه بر

تهمه و در شرکت شیما سرمایه گذاری کرده بودند“ بلکه در دستان تعداد محدودی کلان تاجر و سرمایه دار جمع شده است. معرفی شرکت های مضاربه ای بعنوان عاملین ایجاد بازار سیاه و فیره، آزاد گذاشتن عوامل اصلی تهاجمی این بیماری های اقتصادی است. پیش از ایجاد شرکت های مضاربه ای نیز بازار سیاه و گرانی و... در جامعه بیداد می کردند.

به این ترتیب از این “مبارزه با تروریسم اقتصادی” جز اقداماتی علیه چند شرکت، آنهم آنهایی که یا امکان بالا کشیدن سپرده های سهامداران و انتقال آنها به خارج را نداشته اند و یا راه بند و بست شرعی با حاکمیت را نیافته اند، هاید نخواهد شد. تشویق سهامداران این قبیل شرکت ها به باز پس گرفتن سپرده هایشان و وارد کردن آن در فعالیت های تولیدی هم در شرایط سودآوری بسیار بالای سرمایه تجاری و ربایی و در حالیکه “ثبت یک شرکت تجاری یا مضاربه ای ۲۴ ساعت طول می کشد حال آنکه گرفتن موافقت اصولی برای کار تولیدی سالها زمان می برد و تازه معلوم نیست موافقت اصولی صادر شود.” کاری به نفع فعال کردن بخش تولید از پیش نخواهد برد.

اما همه مشکلات این “مبارزه با تروریسم اقتصادی” به اینها محدود نیستند. چنانکه در نامه نمایندگان مجلس به رفسنجانی هم منعکس است، این شرکت های مضاربه ای با استفاده از قانون اسلامی مضاربه تاسیس شده اند.

بر اساس مضاربه که “یکی از عقود شرع مقدس اسلام” است دو یا چند نفر سرمایه و کار خود را روی هم ریخته و در سود و ضرر آن کار و سرمایه به نسبت سهم خود شریک می شوند. ظاهراً این عقد بر شرکت های مضاربه ای مصداق ندارد، زیرا آنها “سود ثابتی را به صاحب سرمایه می پردازند.

از این قرار “مشکل بزرگ رژیم در این “مبارزه” یک مشکل شرعی است. یافتن راه های تبدیل “سود ثابت” به “مشارکت در سود و ضرر به نسبت سهم کار و سرمایه” خود برای کلان تاجران که در حاکمیت هم دست دارند ابداً دشوار نیست. آنگاه دیگر سرو کار دولت با “شرکت های مضاربه ای راستین” خواهد بود.

ایستگاه های بین راه در بین ایستگاه ها نیز جهت سوار کردن مسافران دیگر و کسب کرایه بیشتر توقف می کنند. این مسئله زمان انتقال مسافران را کندتر از قبل کرده و خطرات جانی نیز به همراه آورده است. راننده برای بالا بردن تعداد سرویس های خود مجبور است به قوانین رانندگی بی توجه بهاند و با سرعت غیر مجاز رانندگی کند، این امر به اضرار خود مسئولین شرکت واحد موجب تصادفات بیشتری شده است.

طبق اظهارات رانندگانی که در این طرح کار می کنند روزانه ۱۰۰-۱۵۰ تومان از درآمد این اتوبوس ها به راننده تعلق می گیرد که این مبلغ در بعضی از روزها و خصوصاً روزهای تعطیل که مسافر زیاد نیست کمتر و حتی برخلاف دخل اتوبوس سهم شرکت واحد را نیز کفایت نمی کند و راننده مجبور است از درآمد روزهای قبل مابقی آن را جبران کند. هلاوه بر این بر اثر تعجیل در رانندگی و اضطراب پر کردن دخل احتمال تصادف بالا می رود و در صورت وقوع تصادف راننده مجبور است از جیب خود خسارت را بپردازد. در محاسبات طولانی مدت برای راننده این معامله سودی ندارد و پول به فارت رفته از جیب مردم، سرانجام به کیسه بی سروته دولتمردان می ریزد.

برای هر چه روشن تر شدن قضیه بهتر است که کم و کیف آنرا از زبان مسافر یکی از این اتوبوس ها بشنویم:

“اصل حرف من این است که مگر در تهران اتوبان جدید زده اند؟ مگر جاده اضافی کشیده اند؟ پل هوایی زده اند؟ آخر این خط سریع السیر دیگر چه معنی دارد؟ امکانات جدیدی که به وجود نیآورده اند، هر چه هست امکاناتی است که از قبل بوده، خوب چرا همین امکانات موجود را به همان اتوبوس های بلیطی که ۱۰ ریال قیمتش بود، ندادند. چه اشکالی دارد که این امکانات را با همان اتوبوس های ۱۰ ریالی در اختیار مردم قرار دهند. اگر خیابان یا بزرگراه جدیدی ساخته اند، بگویند ما هم بفهمیم که این اتوبوس های ۲۰ ریالی به خاطر آن است. ولی حالا چی شده؟ اتوبوس ها همان مسیر را می روند، همان کار را می کنند، فقط کرایه را کرده اند ۲۰ ریال. من می گویم اگر اینها امکانات دارند به همان اتوبوس ۱۰ ریالی بدهند، ولی راننده اش را تامین کنند. چرا من مسافر را با راننده درگیر می کنند؟ اگر می خواهند گران کنند یک دفعه بگویند و خیال همه را راحت کنند. چرا تیکه تیکه اول تست می کنند تا بعد آمپول را بزنند. بابا یک دفعه کار را یکسره کنید، یک بام و دو هوا که نمی شود. یک اتوبوس بلیطی، یک اتوبوس ریالی. همه حرف هایی که درباره ریالی کردن اتوبوس می زنند صرفاً حرف است. هیچ کدام واقعیت ندارد فقط می خواهند به تدریج کرایه اتوبوس را گران کنند.”

دادستانی انقلاب و اعلان جنگ جدید

داوطلبان مایل به استخراج از معادن سنگ‌های تزئینی می‌توانند ظرف مدت ۶ ماه با استقرار ماشین آلات برش در معادن و تایید کارشناسان بازدیدکننده به بهره‌برداری اقدام کنند.

این گزارش می‌افزاید: واگذاری معادن سنگ‌های تزئینی نیاز به استعلام از شرکت‌های صدرصد دولتی تحت پوشش وزارت معادن و فلزات ندارد مگر در مواردی که کاشف معدن بوده و یا طرح در دست اقدام داشته باشند و یا از نظر اداره کل استان به مصلحت تشخیص داده شود.

قرار داد استرداد مجرمین بین ایران و پاکستان و ترکیه

سفر چهارروزه "نوری" وزیر کشور حکومت اسلامی به پاکستان که از ۲۷ آبان ماه آغاز شده بود پایان یافت. در پایان دیدار نوری و هیئت همراه که از مسئولان سیاسی، امنیتی، انتظامی و فرماندهان نیروهای انتظامی حکومت تشکیل شده بود، وزرای دو کشور یک یادداشت تفاهم امضاء کردند.

در یادداشت تفاهم طرفین ضمن تاکید بر تلاش در جهت تحکیم روابط نیمابین و افزایش مناسبات اقتصادی در چارچوب "اگر" اعلام داشتند که دو کشور در زمینه مبارزه با مواد مخدر و مسائل امنیتی اقتصادی و سیاسی توافق کرده و به همکاری‌های همه جانبه خود ادامه می‌دهند.

"افتراز احسن" وزیر کشور پاکستان با اشاره به مذاکرات جاری خود با "نوری" در یک مصاحبه اعلام کرد: "دولت پاکستان اطمینان می‌دهد که به هیچ وجه این کشور برای عملیاتی علیه منافع انقلاب اسلامی بکار نخواهد رفت و پاکستان تمامی امکانات خود را برای همکاری کامل با جمهوری اسلامی صرف خواهد کرد." "نوری" نیز با اشاره به مذاکرات خود با مقامات پاکستانی اضافه کرد: "جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه پایگاه و جایگاهی برای مخالفین پاکستان نخواهد بود و مقامات پاکستانی نیز تاکید دارند که متقابلاً مخالفین انقلاب اسلامی در این کشور جایی را نخواهند داشت. لذا تمامی عناصری که بخواهند دست به شرارت، جنایت، آدمکشی و ترور بزنند نخواهند توانست در داخل خاک پاکستان جای پای داشته باشند."

بنا به اظهارات وزرای دو کشور یکی از اهداف اصلی سفر هیئت مزبور به پاکستان همکاری در سرکوب مخالفین سیاسی دو کشور می‌باشد که در یادداشت تفاهم منتشر شده طرفین در این زمینه به توافق رسیده‌اند.

لازم به تذکر است که در ارتباط با سرکوب مخالفین سیاسی در کشورهای همجوار قرار داد مشابهی نیز بین ایران و ترکیه منعقد شده است. فرمانده کمیته انقلاب اسلامی آذربایجان فربانی طی مصاحبه‌ای در روز ۳۰ آبان اعلام کرد که بر اساس پروتکل امضاء شده بین ایران و ترکیه از این پس کلیه مجرمان فراری و قاچاقچیان بین‌المللی تحت تعقیب قرار می‌گیرند و پس از دستگیری به مقامات قضایی دو کشور تحويل می‌شوند.

دادستانی مامورین حکومت را موظف می‌سازد که مطابق مواد ۱ و ۳ و ۵ قانون مربوطه نسبت به جمع‌آوری البسه و وسایل نامبرده از محل‌های تولید و فروش اقدام نموده و متخلفین را جلب و به دادسرای انقلاب اسلامی مبارزه با منکرات تحويل دهند.

حکومت اسلامی که در بحران حاد اقتصادی-اجتماعی و درگیری‌های سیاسی درون خود روبروست هربار که خود را در تنگنا دیده است به بازی‌هایی چون "مبارزه با گرانفروشی"، "مبارزه با احتکار" و... ده‌ها نوع دیگر از اینگونه "مبارزه‌ها" دست یازیده تا بلکه با مشغول ساختن ذهن مردم با ترندی جدید، افکار عمومی را از معضلات حکومت ساخته منحرف سازد. پیرو همین سیاست رژیم باردیگر از زبان "دادستانی انقلاب" مبارزه با منکرات را اعلام داشته است.

نکته قابل توجه پس از صدور اطلاعیه فوق مقاومت مردم علیه مامورین و چپا بدستان حکومتی بوده است که منجر به درگیری بین مردم و آنان شده است. در همین ارتباط چند روز پس از صدور این اطلاعیه دادستانی مجبور گردید اعلام نماید که مامورین از درگیری و ضرب و شتم پرهیز نمایند.

طرح اقدام چند وزارتخانه و سازمان دولتی

بندج این تبصره کلیه وظایف وزارت نفت و شرکت‌های وابسته، سازمان انرژی اتمی و وظایف نیرو به غیر از آب را به "وزارت انرژی" منتقل می‌کند.

بندد تبصره فوق وظایف سه وزارت معادن و فلزات، صنایع سنگین و صنایع را به "وزارت صنایع و معادن" محول می‌نماید.

بر اساس تبصره‌های ۲ و ۳ ماده واحده طرح، هیات دولت موظف است که ظرف مدت سه ماه ضمن تفکیک وظایف اقدام شده در وزارتخانه‌های جدید، به انتقال امکانات و نیروهای وزارتخانه‌هایی که مطابق قانون منحل می‌گردند به وزارتخانه‌های جدید اقدام نماید. طرح اقدام برخی از وزارتخانه‌ها و وظایف آنها با یکدیگر و حذف برخی دیگر نشان دهنده بن بست و بحران در دستگاه‌های اداری و اجرایی حکومت است.

سران حکومتی گاهی خود را مجبور می‌بینند که به ایجاد مراکز، سازمان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌های جدید بپردازند و گاهی ناچار می‌شوند از تعداد آنها کاسته و با متراکم کردن و واگذاری وظایف آنها به یکدیگر بن بست و بحران دستگاه حکومتی خود را هلاج بینند.

تسهیل امر واگذاری معادن به بخش خصوصی

اداری، امر واگذاری معادن کشور به بخش خصوصی تسریع گردد.

روابط عمومی وزارت معادن و فلزات هم بر اساس این بخشنامه اعلام کرد که معادن سنگ‌های تزئینی به سرمایه‌داران داوطلب برای استخراج و بهره‌برداری واگذار می‌شود. طبق گزارش روابط عمومی وزارتخانه مزبور

باردیگر "دادستانی انقلاب" حکومت در تهران طی صدور اطلاعیه‌ای با استناد به مواد یک، چهار و پنج قانون مصوب مجلس اسلامی به اعلان جنگ علیه کسانی پرداخت که به اعتقاد این نهاد با "تظاهر و تظاهر علنی به گناه و فسق در معابر و اماکن عمومی" "قلب" امت حزب الله را جریحه دار و کاسه صبرشان را لبریز ساخته‌اند.

دادستانی انقلاب اسلامی تهران به همین خاطر اعلام داشت: "فسق و فجور علنی را در معابر و اماکن عمومی حرکتی ضد اسلامی و مخل مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی دانسته و در جهت اجرای کامل مفاد قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از لحظه صدور این اطلاعیه با تخلفات ذیل برخورد خواهد کرد:

۱- کسانی که اقدام به تولید، ورود، فروش البسه یا وسایل و نشان‌های مبتذل و خلاف اسلامی نموده که هفت عمومی را جریحه دار می‌کنند.

۲- افراد بدحجاب و کسانی که در ملاء عام و انتظار عمومی از البسه و وسایل و نشان‌های فوق‌الذکر استفاده نموده و وضع و پوشش و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و هتک هفت عمومی باشد.

۳- کسانی که اقدام به ورود، تهیه، تکثیر و توزیع تصاویر فیلم‌ها و نوارهای مبتذل نمایند."

به موجب اعلامیه صادر شده از سوی کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس طرح اقدام چند وزارتخانه و سازمان دولتی در یکدیگر و ایجاد وزارتخانه‌های جدید برای تصویب به مجلس ارائه خواهد شد.

مطابق طرح قانونی یاد شده و ماده واحده آن وزارتخانه‌ها و سازمان‌های معادن و فلزات، صنایع سنگین، صنایع کشاورزی و عمران روستایی، جهاد سازندگی روستاها، نیرو، نفت، سازمان انرژی اتمی و سازمان حفاظت محیط زیست منحل می‌شوند و وظایف آنها به وزارتخانه‌های جهاد توسعه روستاها و آب و کشاورزی، منابع طبیعی و امور دام، انرژی و صنایع و معادن منتقل می‌شود.

تبصره ۱- الف طرح در مورد انتقال وظایف اعلام میدارد که وظایف عمران و روستایی و زراعت و آب مربوط به جهاد سازندگی، کشاورزی و نیرو به "وزارت جهاد توسعه روستاها و آب و کشاورزی" واگذار می‌گردد.

در بند تبصره ۱ کلیه وظایف منابع طبیعی، محیط زیست، دام، شیلات مربوط به جهاد سازندگی، کشاورزی و محیط زیست به "وزارت منابع طبیعی و امور دام" واگذار می‌گردد.

وزیر معادن و فلزات روز ۲۹ آبان بر پایه تصمیم دولت بخشنامه‌ای را جهت تسهیل در امر واگذاری مالکیت بیش از یک هزار معدن در سراسر کشور به سرمایه‌داران را صادر کرد.

بر اساس بخشنامه جدید، اختیارات وزیر در زمینه فوق به مدیران کل معادن و فلزات تفویض می‌شود تا از این طریق با کاهش تشریفات

هجوم شرکت ها و کمپانی های فرانسوی به ایران

از میان نامه ها و گزارش ها

سبب زمینی ها را به زور گرفتند

بخشی از یک نامه

... از آشنای کشاورزی پرسیدم که امسال محصول خوب بود؟ جواب داد بلی امسال خوب بود. ولی هنگام برداشت محصول اوایل آبان ماه عده ای پاسدار با تفاق شخصی بنام رفیق دوست به مزارع و انبارهای سبب زمینی ها هجوم آوردند و از روستائیان خواستند که سبب زمینی را از قرار کیلویی ۵۰ ریال به آنها بفروشند. کشاورزان از فروش سبب زمینی بدولت امتناع کردند و اظهار داشتند که ما کود و سم را از بازار آزاد تهیه کرده ایم، چای و قند و شکر را به قیمت گزاف بدست آورده ایم برنج کیلویی ۱۳۰ تومان، پارچه پوسیده متری ۱۵۰ تومان و همه وسایل زندگی را به این سیاق خریده ایم و حالا شما می خواهید دسترنج ما را کیلویی ۵۰ ریال از ما به زور سرنیزه بگیرید. ما محتاج ما روستائیان را از آن در دسترس ما قرار دهید آنگاه سبب زمینی و محصولات دیگر را از آن ما طلب کنید.

خلاصه روستائیان مقاومت کردند و درگیری های شدیدی رخ داد. عده زیادی مضروب و تعدادی دستگیر و روانه زندان شدند که هنوز هم زندانی هستند. ما موران رژیم هجوم آوردند در انبارها را شکستند و دسترنج ما را به قارت بردند...

تاسه نفر تلفات هنگام آموزش

مجاز است!

بخشی از یک نامه:

"...پسر ما را که سربازی رفته به واحد آموزش سپاه واقع در شهریار برده اند او می گوید روزی یک وعده غذا آنهم نان مانده با کمی آش و یا آبگوشت بدون گوشت به ما می دهند. فرمانده ما که به گفته خودش قبلاً باج گیر میدان بارفروشها بوده است، می گوید که به ما اجازه داده اند هنگام آموزش تا ۳ نفر تلفات داشته باشیم. هر شب ما را به عملیات شبانه می برند. روستائیان اطراف از صدای تیراندازی خمپاره و آر. پی. جی. خواب راحت ندارند. چند روز پیش یکی از هم دوره های ما در پرش اجباری از کامیون در حال حرکت بر اثر اصابت سرش به زمین جابجا جان داد.

به ما مرخصی نمی دهند. سربازان مجبورند برای رهایی چند روزه تمارض کنند و حتی تن به عمل جراحی غیر ضرور آپاندیست و غیره دهند تا بدین طریق چند روز راحت شوند و یا به مرخصی بروند.

ما نمی دانیم اسم این شکنجه گاه را چرا پادگان آموزشی سپاه گذاشته اند...

را به تهران اعزام دارند که از این میان ۳۲ شرکت انتخاب شده اند که نمایندگان آنها کمپانی های دیگر را نمایندگی می کنند. گفته می شود در هیئت اعزامی اقتصادی فرانسه به ایران شرکت های مهندسی مشاور، فلآت قاره نفتی، پتروشیمی و گاز، مخابرات، کشاورزی و ماشین آلات کشاورزی، لوازم پزشکی، صنایع غذایی، خودروسازی و نیز یک گروه در زمینه فعالیت های جهانگردی و احداث هتل حضور دارند.

لازم به تذکر است بعد از تصمیم کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برای اعزام مجدد سفرای خود به تهران کشورهای مزبور به سرعت در جهت گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با حکومت اسلامی برآمده اند و تاکنون نمایندگان کمپانی های ایتالیایی، سوئدی جهت شرکت در برنامه های بازسازی دولت رفسنجانی به تهران سفر کرده اند و توافق نامه ها و قراردادهایی نیز میان طرفین به امضا رسیده است؛ و حالاً نوبت به شرکت ها و کمپانی های فرانسوی رسیده است.

پس از بهبود مناسبات ایران و فرانسه و دیدار و مذاکرات مقامات وزارت خارجه دو کشور و قول و قرارهای طرفین برای حل اختلافات مالی، "کریستین گراف" سفیر فرانسه در جمهوری اسلامی اعلام کرد یک هیئت اقتصادی بزرگ از نمایندگان شرکت ها و کمپانی های فرانسوی جهت شرکت در "برنامه های بازسازی" دولت رفسنجانی و همکاری در بخش های مورد علاقه طرفین به ایران سفر خواهد کرد.

سفیر فرانسه روز ۳۰ آبان در دیدار با "هلینتی خاموشی" رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ضمن اعلام این خبر بر تجدید مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور تاکید کرد.

"گراف" در سخنان خود افزود: مرکز ملی صنایع فرانسه با شرکت حدود ۱۵۰ شرکت فرانسوی در آوریل گذشته اجلاس را تشکیل داد که در آن راه های توسعه روابط اقتصادی دو کشور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

همچنین در ارتباط با سفر هیئت بزرگ اقتصادی فرانسه، وابسته بازرگانی سفارت فرانسه در ایران اعلام کرد که ۷۵ شرکت و کمپانی فرانسوی آماده بودند که نمایندگان خود

پایان دیدار ولایتی از چند کشور آسیائی و آفریقائی

روز جمعه "ولایتی" وزیر امور خارجه به دیدار خود از چند کشور آسیائی و آفریقائی که از هفته گذشته آغاز شده بود پایان داد.

ولایتی ضمن دیدار از کشورهای یمن جنوبی، عمان، کنیا، زامبیا و تانزانیا با مقامات این کشورها دیدار کرد و پیام های جداگانه ای از سوی رفسنجانی به روسای این کشورها تسلیم نمود.

ولایتی در دیدار خود از عمان، ضمن تسلیم پیام رفسنجانی به "سلطان قابوس" پادشاه عمان با وی پیرامون اوضاع منطقه، اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گفتگوهای صلح ایران و عراق و اهمیت وجود روابط بین کشورهای منطقه به مذاکره پرداخت.

در همان ولایتی همچنین با "یوسف بن هلوی" وزیر مشاور در امور خارجه این کشور دیدار و گفتگو نمود. ولایتی در این دیدار اعلام

کرد: موافقتنامه های حقوقی و قانونی که بر اساس حقوق بین الملل تدوین شده قابل تغییر نیستند و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مبنای تعیین حدود مرزهای دو کشور می باشد.

دیدار اخیر ولایتی از این کشورها در جهت جلب حمایت آنها از مواضع جمهوری اسلامی و زیر فشار قرار دادن عراق به لحاظ سیاسی در جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است. بنا به گزارش های منتشره قرار است ولایتی تا دو هفته دیگر با دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک پیرامون پیدا کردن راه حل شکستن بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق گفتگو کند. "خاویر پرز دو کوئیار" بعد از پایان سفر "الیاسون" نماینده ویژه وی به ایران و عراق از وزرای خارجه دو کشور برای انجام گفتگوهای صلح در نیویورک دعوت بعمل آورده است.



جمعی از معتادانی که برای اعزام به اردوگاه کار اجباری توسط رژیم اعتیادگستر جمهوری اسلامی جمع آوری شده اند

بيت المال را گشودند و حساب کردند سرانه به هرکس هرچه می رسید پرداخت: "سه درهم" به نظر شما این کار صحیح بود؟

آخر بعضی افراد شخصیت داشتند، آبرو و اعتبار داشتند، چرا به این مسائل توجه نکرد؟ تندروی تا چه حد؟ حتی وقتی افراد دلسوز! گاه با زبان نصیحت و گاه با زبان طعن و سرزنش به او گفتند چرا چنین می کنی! در پاسخ آنان به جای اینکه روش تند خودش را اصلاح کند، سخنرانی کرد و سخنانی گفت که بیانگر روح پر تلاطم او بود...

همین سخنان بود که یاران سابقه دار و دیرینه اش حتی پسر عمه اش را که سالها با یکدیگر در رکاب پیامبر جنگیده بودند، واداشت تا از او جدا شوند و به همراه همسر رسول خدا به بصره بروند و در آنجا لشکری را گرد آورده و به جنگ او بشتابند؟!...

اگر او روزهای اول به جای اینهمه تندروی، قدری "دوراندیشی" می داشت هرگز چنین نمی شد که در بصره آشوب بپا شود و او به جای پرداختن به "سازندگی" مجبور به "لشکرکشی" شود و مردم را از کار و زندگی بیندازد و به همراه خود "در گرما و سرما" به نبرد با مقدسین و مؤمنین پولدار بپردازد... و کار به جایی برسد که... همدای مخالفت حتی به خانه "شهید" نیز نفوذ کند، و همسر شهیدی "ناله و نقرین"... سر بدهد و از "او" بد بگوید که چرا به خانواده ایتام سر نزده و در رفع مشکلات آنها کاری برنداشته است! آخر انسان با اینهمه تندروی برای خودش مشکل می سازد و از کارهای اساسی باز می ماند!

برادری دارد عالم، پیرومرد مؤمن و پرهیزکار، نام او عقیل که نابینا شده است. شب هنگام به خانه اش می رود، چهره زرد فرزندانش را می بیند دلش می سوزد، شب دیگر عقیل به خانه او می آید و از هر دری سخن می گوید. چندین بار آمده و با او سخن گفته اما "دل سخت" علی (ع) ذره ای "ترحم" نیافته و دستان خیمبرگشای او قدرت گشودن کلید خزانه بیت المال را نداشته و نه تنها به این بنده خدای بی چیز، "چیزی" از اموال نداده که آهن سرخ گداخته را در دستانش گذاشته و فریاد آتش سوختن عقیل را بر آسمان بلند کرده، آنگاه به خنده تلخ گفته "این آتش بود که بنده ای از بتدگان خدا برای شوخی آماده کرد و تو اینچنین فریاد می زنی. با اینحال چطور مرا به سوی آتش غضب جبار می کشانی! مادرت به عزایت بنشیند!"

آخر این چه شوخی بوده؟ آیا عقیل ذیحق نیست که او را ترک کند و نزد معاویه، صاحب جود و سخا، برود؟...

باری دارد به نام نجاشی، فردی است "شاعر توانا" و "هنرمند با قدرت". در سحنه جنگ همراهش بوده و با اشعار حماسی خود، جمع یارانش را گرم کرده و به صف مجاهدین، شور و حرارت بخشیده است.

یک روز ماه رمضان از کنار خانه ای می گذرد، دوستی او را دعوت به منزل می کند. "شیطان" قریبش می دهد، گول می خورد و داخل می شود. در آنجا کباب و شراب آماده است و او از هردو می خورد. مست لایعقل می شود بنای بد مستی می گذارد، دستگیر می شود و به نزد علی برده می شود. محاکمه اش می کنند، هشتاد ضرب شلاق برای شراب خوری، بیست ضربه هم برای بی حرمتی به ماه رمضان، در ملا عام، محکم و استوار حکم را صادر می کنند، هرچه بااداباد، شبانه به درب خانه اش می آیند بزرگانی از لشکرش، و وساطت می کنند: آقا این ابرومند است، این هنرش به درد می خورد، این تخصصش مورد لزوم دارد، این می تواند برای حکومت تو مفید باشد، او را شلاق نزن، آبرویش را نریز، اگر چنین کنی ممکن است از تو بگریزد. گوش به حرف هیچکس نمی دهد. روایت از پیامبر می خواند که او فرموده: "امت های قبل از شما نابود شدند زیرا حدود الهی را در رابطه با ضعفا جاری می ساختند و اقویا را مستثنی می کردند.

خوب! او را در میان میدان خوابانده و شلاق زده است! آبروی او را برده، نه یک ذره عفو! نه بخشش! نه به سبقت رحمان و رحیم بودن خدا تاسی کرده، نتیجه اش هم کاملاً واضح بود و بسیاری از "عقلا" آن را پیش بینی می کردند. نجاشی هم شبانه گریخت و به شام نزد معاویه رفت.

آقا! اصلاً بروید و ببینید چقدر افراد از حکومت علی (ع) گریختند. آیا همه آنها "حد انقلاب" بودند؟ آیا همه آنها "حد اسلام" بودند؟ نه اینطور نبود. اشکال در ماهیت و شکل رفتار خود علی (ع) بود! بسیاری از آنها حاضر بودند برگردند و خدمت هم بکنند. اگر علی یک "عفو عمومی" می داد و بر گذشته ها صلوات می فرستاد همه چیز حل می شد. همه بر می گشتند. دست بسته می آمدند و در "بازسازی" شرکت می کردند. حضور

این افراد در دستگاه معاویه خود سند گویائی نسبت به نظام علی (ع) بود. بطور کاملاً طبیعی حکایت از "خفقان" موجود می کرد که افراد برای فرار از



اشتباهات! امیر المؤمنین

به نقل از نشریه روزگار نو

اینکه می گویند "مواظب باش یکدفعه شست پات تو چشمت نره" برای این است که بر سر انسان آن بلانی نیاید که بر سر حجت الاسلام سید حسن میردامادی از اجله فضلاء حوزه علمیه قم آمد. حجت الاسلام برای خوش خدمتی نسبت به نظام جمهوری اسلامی و سنگ تمام گذاشتن، جهت امام، در شب شهادت حضرت امیر به فکر نوشتن يك "مدح شبیه به ذم" افتاده بود، مطلبی که از خواندن آن نخست خواننده بی خبر گمان ببرد که ری می خواهد ذم کسی را بکند ولی در پایان سخن دریابد که مقصودش مبالغه در مدح بوده است... و فکر می کرد که با این شگرد توی دهان همه آنها می زند که به جمهوری اسلامی پشت کرده اند و از بنیانگذار آن نومید شده اند...

در زیر چکیده ای از این مقاله را می خوانید:

در ایام شهادت او چه می توان گفت جز آنچه منجر به شهادتش شد؟ در دیدگاه آنها که "شهادت" تهنک است، این خود علی (ع) بود که با دست خویش به این رادی دروغلتید و خود مسئول همه وقایع بود. از دید واقعی آنها، از بود که با "اشتباهات!!" بزرگ زندگیش خود را به زحمت افکند و سالها گوشه نشینی و بعد درگیری با یاران رسول الله (ص) و اصحاب سابقه دار اسلام را به جان و دل بپذیرفت.

اگر او به تذکرات انسان های "نامح" و "دلسوز" گوش فرا می داد از پافشاری بر عقاید خاص خودش دست می کشید، انجنان تنها نمی شد که نزدیکترین یارانش او را رها کنند و به دامان معاویه پناه برند. همه "تقصیرها" بر عهده خودش بود که ذره ای "ترحم"، "مصلحت اندیشی" و "عاقبت نگری" نداشت وگرنه چرا اینهمه انسان های "مقدس" خوب و "پولدار" او را تنها گذاشتند...

اگر فقط به زندگی پنج ساله حکومتش که برای مردم زمانش جز "جنگ"، "ویرانی"، "کشتار"، "برادرکشی" و "تخریب اقتصادی" ثمره دیگری نداشت نگاهی بیفکنیم خواهیم دید که او "مستحق" کشته شدن در "محراب" بود و این واکنش طبیعی قشارهای وارده بود و مگر نه آنکه "تندروی های" بی رویه موجب برخورد افراد می شود...

وقتی عثمان که در جذب نیروهای فعال جامعه و مغزهای متفکر و افراد سابقه دار زحمات فراوانی کشیده بود... و اکثر یاران رسول خدا در دستگاه حکومتی وی دارای مناصبی شده و به "حق" خویش رسیده بودند... به قتل رسید، علی (ع)... پا در رکاب حکومت گذاشت و بر منبر بالا رفت و... گفت: به خدا قسم اگر از اموالی که عثمان بین شما تقسیم کرده ببایم که در کابین زناشتان یا خرید کنیزکان مصرف شده، به بیت المال بخواهم گرداند. (خطبه ۱۵ نهج البلاغه)

... کسی نبود در آنجا بگوید: علی جان يك کمی آرامتر، آخر چه کار داری به این حرفها. بگذار يك مقدار مستقر بشوی! کم کم که در حکومت جا افتادی بعد آهسته آهسته اول با نصیحت به آنها بگو خودشان با دست خودشان "مبالغه" بیاورند، تو هم آنها را بگیر و خرج محرومین کن. مردم فطرتاً خوب هستند خصوصاً طبقات پولدار که هم فهمیده ترند، هم مؤدب ترند، هم تمیزترند، هم مفیدتر! بین يك نفر آنها به سدها و هزاران بی پول "پایتی" می آورد.

شاید هم کسانی به او گفتند، اما او گوش به این حرفها نداد. دست به اقدامی "اهانت آمیز" زد که بسیاری از افراد را رنجاند، دستور داد درب

”انصاف و هوشمندی در فهم جریانات کشور“

بقیه از صفحه اول

توسل به اقتصاد ”واردات“ و حقانیت قابل شدن هملی برای ”نقش شکم“ در انقلاب و تاریخ، مشخصه های فصل سوم اند.

اینک فصل چهارمی، یک دور جدید کشمکش ها و بند و بست ها، در درون حاکمیت جمهوری آغاز شده است. پیشگفتار این فصل را خامنه ای در دیدار روز اول آذر خود با ”گروه های مختلف از امت حزب الله“ بیان داشت. او ضمن اینکه کسانی را که اقدامات سازنده و متین دولت را به زیر سوال می برند، به کمک به تبلیغات آمریکائی و استکباری متهم کرد، از آنها خواست که ”در فهم جریانات کشور انصاف و هوشمندی به خرج دهند.“

و اتفاقا هم ”جریانات کشور“ پس از سه فصل مناسب در شیب خمینی، به انصاف و هوشمندی نسبت به وزن کل حاکمیت در جامعه و نسبت به وزن یکدیگر در حاکمیت نیاز مندند.

ظاهرا هوشمندی نسبت به جریانات کشور را مفسر کیهان در تفسیری از همان سخنان خامنه ای بروز داد. مفسر کیهان که فقط یک مفسر نیست با تیتیر کردن این سخنان خامنه ای و اشاره به آنها می نویسد: ”تبلیغات رسانه های استکباری و فربیی علیه ایران محوره های گوناگونی دارد... از جمله این محورها القای مودیان این نکته است که دولت جدید و مسئولان کشور پس از ارتحال امام دست از خط و آرمان های امام خمینی برداشته و واقع گرایی و سازش با فرب را پیشه خود

ساخته اند و در این میان بیش از همه حملات زهرآگین خود را متوجه رئیس محترم جمهوری نموده اند.“

و اما انصاف را رفسنجانی در سخنانی که در هشتمین گرد همایی سراسری فرماندهان بسیج مستضعفان ایراد کرد، بروز داد. او در این سخنان ضمن بر شمردن ”قهرمانی ها و ایثارگری های“ بسیج و افراز مغرط آن و با شمردن اقداماتی که بمنظور دخالت دادن بسیجیان در امور هملی، تولیدی و اداری صورت گرفته است، متعلقانه و از روی الزام امروزه او برای باج دهی گفت: ”در زمانیکه من در مجلس حضور داشتم چهل درصد سهمیه دانشگاهها را برای حضور بسیجیان در صحنه های هملی به رزمندگان اختصاص دادیم. در سال جاری بیش از بیست هزار نفر که معادل یک سوم کل نترات ورودی به دانشگاههاست از میان بسیجیان بوده اند... با آنکه استخدام رسمی ممنوع است و امکان استخدام کلی در دستگاه های دولتی نیست لیکن دریچه هایی را که باز است به بسیجیان اختصاص داده ایم.“ اما ”انصاف و هوشمندی“ توام را شخص خامنه ایست که بروز داده است. او می خواهد داور منصف دو جناح باشد و ”هوشمندانه“ تلاش می ورزد که تنها از دور دستی بر آتش کشمکش های درون حاکمیت داشته باشد. اینها حکایت از آغاز کشمکش پر بند و بست و پیچیده تر از هر موقع دیگری دارند.

پدیده ”افسردگی“ در میان مردم

بقیه از صفحه اول

گوناگون در یک چیز مشترک بودند که هبارت بود از بالا رفتن درصد بیماران مبتلا به افسردگی در همه طیف های بررسی شده. دلایل مختلف در امتداد خود به یک نقطه تلاقی معین و مشخص منتهی میشد: شرایط سخت زندگی در جامعه و پی آمدهای جنگ و جو فشار غیر قابل تحمل در جامعه.

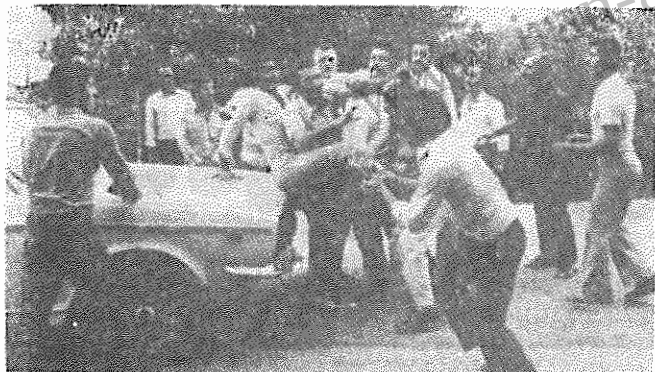
یکی از استادان دانشگاه علوم پزشکی که نتیجه تحقیق خود در رابطه با ”رزمندگان“ را ارائه می داد، خاطر نشان کرد، از ۱۵۰ نفر رزمنده که مورد ارزیابی میزان افسردگی قرار گرفته اند، ۵۰ نفر دچار اختلالات هصبی شده اند. وی اضافه کرد که انجام تحقیق حکایت از آن میکند که تلقی منفی رزمنده از جنگ با میزان شیوع افسردگی ارتباط معناداری دارد.

در مقاله دیگری به بررسی افسردگی در میان مهاجرین جنگی پرداخته شد و میزان و دلایل شیوع این بیماری مورد مذاقه قرار گرفت.

سخنران دیگری با ارائه تحقیق

خود اظهار داشت که مسئله تامین اجتماعی از جمله شغل و درآمد نقش بسزائی در پیشگیری بیماری و میزان افسردگی دارد. مثلا میانگین افسردگی در پرستاران ۱۱/۷۴ است که گرایش این تشر اجتماعی به افسردگی را نشان می دهد. این گرایش با زیاد شدن سابقه کار افزایش و با افزایش درآمد خانواده کاهش می یابد.

برگزاری سمپوزیوم افسردگی و ارائه گزارشات نگران کننده در آن حکایت از وضعیت دردناکی دارد که گریبانگیر جامعه است. فشارهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی علاوه بر آنکه زندگی را بر مردم ایران سخت و بی چشم انداز کرده، جامعه را بسوی خمودی و افسردگی کشانده است این وضعیت از جمله یا خود را بشکل بیماری های مختلف روانی بروز می دهد و یا اینکه باعث افول اخلاق اجتماعی و شکل گیری کجروی و انحرافات اخلاقی متعددی میگردد.



می دانست که تنها برای بندگان خاص خدا باز شده است.

اما با همه این تمهیدات نتوانست به شعار خود در سرنوشتی معاریه جامعه عمل بپوشد و بالاخره نیز مجبور شد ”حکمت“ و میانجی گری هیئت های ”صلح دوست“ را بپذیرد. این آن چیزی بود که هرگز نمی خواست و اگر کشمکش می کردند، به این نقطه نمی رسیدند. ولی وقتی زیر بار ”حکمت“ رفت ... سانه اندیشان باز جو سازی کردند و در مقابلش ایستادند که یا علی (ع) این کار گناه بود و تو باید توبه نمائی!

اینبار نیز علی (ع) بدون توجه به عواقب کار! از یک کلام ساده (استغفرالله و اتوب الیه) خودداری کرد! چه که او همچنان معتقد بود همه حرف هایش صحیح است! و همین پافشاری بر مواضع بود که گروهی از ”مقدسین“ را بر آن داشت که یا علی (ع) را توبه دهند و یا او بچنگندند و او را بکشند. و در سحرگاه نوزدهم ماه رمضان، ”در محراب“ عبادت به خاک و خروش کشیدند.

خاک پای وفاداران امیرالمؤمنین علی (ع)

سید حسن میردامادی رمضان ۱۴۰۹

آن به شام رفت بودند. چرا علی (ع) به این همه مسائل روشن چشم پوشیده بود؟ چرا به نصایح افراد دلسوز! توجه نمی کرد؟ چرا دشمن تراشی می نمود؟ حالا فرض کنیم آنها می آمدند و یک ”زهرماری“ نیز می خوردند، ضررش به جسم خودشان بود. می شد ندیده گرفت و از کنار آن گذشت، ولی علی (ع) چنین نکرد. موشکافی کرد، پرونده سازی کرد، برخورد کرد. هم در زمان خودش نتوانست حکومت اسلامی را اداره کند هم تا سال های سال تاریخ نگاران ظاهرالصلاح بر فراز چوب های مساجد، او را آنچنان برای مردم تصویر کردند که ”لعن“ و ”تفرین“ او جز مستحبات مؤکدی بود که وقتی فردی ”مقدس“ در بین راه به دلیل عجله رسیدن به قافله، از این ”فریضه“ غافل شد و نمازش را بدون ”لعن“ بر او پایان داد با تأسف به خود گفت این نماز به دردخور نبود و مورد قبول خدا واقع نشد!

بگذریم، آنقدر مردم را در سرما و گرما و زمان کاشت و برداشت محصول از خانه و کاشانه خود بیرون آورد و به صحراهای بی آب و علف کشاند که دیگر خستگی در چهره مردم موج می زد و هرچه ”دلسوزان عاقل!“ به او گفتند که مردم خسته شده اند، او بر تکلیف الهی خویش و مسیر بر مصیبت های در راه تکلیف، پای می نشاند و جهاد را در از درهای بهشت

پتیه از صفحه آخر

دانشمندان بخش علوم اجتماعی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی که این مسایل را در چارچوب یک سمینار ویژه مورد بحث قرار داده‌اند، تهیه شده است. نشریه "کمونیست" با آرزوی بحثی پربار، مطالعه این مقاله را به خوانندگان پیشنهاد می‌کند.

سوسیالیسم و تمدن معاصر

به‌انحای گوناگون می‌توان در مورد آینده جامعه سوسیالیستی اندیشید و برنامه‌های رشد و تکامل آن را تنظیم نمود. اما میزان واقع‌گرایانه و مسئولانه بودن این تفکرات و پیش‌بینی‌ها بسته به آن است که آنها تا چه اندازه هم‌پیوندی‌ها و مناسبات واقعی جهان معاصر را در خود بازتاب می‌دهند.

اکنون دیگر بیش از هفت دهه است که جهان به دو سیستم اجتماعی تقسیم شده است. اما آیا این تقسیم به لحاظ تاریخی انجام شده، با موجودیت تمدن واحد بشری در تضاد است؟ بدیهی است که خیر. زیرا در عین آن که تفاوت‌های جدی سیستم‌ها، مناطق و ملیت‌ها پابرجا هستند، شاخص‌های جامعه متمدن جهانی یعنی رشد وابستگی و ذی‌نفع بودن متقابل، تحکیم بیشتر همکاری متقابل سودمند و صلح، و انسانی‌تر شدن تمامی شئون حیات اجتماعی، هر چه آشکارتر نمایان می‌گردند. و این خود یکی از نشانه‌های مهم دوران نوینی است که بشریت در مرز هزاره‌های دوم و سوم به آن گام می‌گذارد.

البته، در ابتدای دوران نوین روند جهانی تاریخی، دشوار است که مضمون آن را به طور جامع و مانع تعریف کنیم. با این وجود، خصایل و گرایش‌های اصلی این دوران که استمرار راستای اساسی انقلاب اجتماعی بشریت - یعنی همانا گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم - را با یک سلسله ویژگی‌های اصولاً نوین عصر تاریخی کنونی در خود تلفیق می‌کنند، با وضوح کافی نمودار گشته‌اند. از این رو، مضمون دوران علاوه بر جابه‌جایی قانونمند فراماسیون‌ها، عناصر زیر را نیز در بر می‌گیرد: نو سازی سوسیالیسم، آشکار شدن ظرفیت آن و مسابقه تاریخی‌اش با سرمایه‌داری در شرایط انقلاب هملی - فنی؛ تأیید این امر که سوسیالیسم چیزی بیش از هر سیستم اجتماعی - سیاسی دیگر برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ تحولات ژرف اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جهان در پیوند با مبارزه نیروهای ترقیخواه علیه استثمار و هر گونه اشکال بیگانگی اجتماعی و ستم ملی و بخاطر هادی کردن مناسبات بین‌المللی و تثبیت ارزش‌های هموم بشری و موازین اخلاقی در این مناسبات.

دوران نوین عبارت است از دوران مبارزه به خاطر بقا تمدن، زدایش هر گونه جنگ از حیات بشریت، و چاره‌جویی موثر برای حادثترین مسایل گلوبال. و بالاخره، عبارت است از دوران وابستگی متقابل و فزاینده جهان متضاد که پی‌درپی به سوی یکپارچگی هر چه بیشتر یعنی به سوی شرايطی در حرکت است که در آن هر گونه پیشرفت باید در متن منافع هموم بشری معنا پیدا کند، که همه کشورها و خلق‌ها ضمن اتکا به آزادی انتخاب سیاسی و اجتماعی خود و ضمن اتکا به همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان شالوده زندگی مشترک در کره ارض، باید به اتفاق در جستجوی معیارهای مشترک پیشرفت باشند. چنین درکی از جهان است که در ماهیت امر

دستگاه مختصات آتی درک و توضیح جهان را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت که رشد فاجعه‌بار شکاف میان سیمای واقعی جهان و درک ما از آن، لاقال متوقف شده است. پذیرش تنوع و گوناگونی جهان و پذیرش پلورالیسم اشکال اجتماعی که ظرفیت قابل توجهی برای رشد و تکامل خود دارند، در کنار درک تقدم منافع هموم بشری، یکی از ارکان تفکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهد. این تفکر متوجه درک مبانی هموم تمدنی همکاری سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی و حل مشترک مسایل مشترکی است که در جهت منافع هریک از سیستم‌ها و مهم‌تر از همه، در جهت منافع کل بشریت به تلاش بیشتر و تشریک مساعی نیاز دارند.

هر یک از سیستم‌های اجتماعی بر پایه قوانین خود، اما در چارچوب تمدنی واحد رشد و تکامل می‌یابند. همکاری و اشتراک مساعی به هیچ وجه رقابت و سبقت‌جویی سرمایه‌داری و سوسیالیسم، و تفاوت‌های به‌طور هینی موجود آنها را از میان نمی‌برد. سرمایه‌داری هلیرقم تغییرات چشمگیر در سیستم مناسبات اجتماعی خود، همچنان نظامی است مبتنی بر سلطه مالکیت خصوصی و تولید ارزش اضافی که هنوز هم خطرات فراوانی را متوجه جامعه جهانی می‌سازد.

ما اما در صدد هستیم تا از رویارویی مقابله‌جویانه دو سیستم، به مسابقه روآوریم. مسابقه بر سر جستجو و تدوین اشکالی از پیشرفت اجتماعی که به نحو کامل‌تری با منافع جامعه و انسان انطباق داشته باشد. ایقان مارکسیست‌ها به برتری‌های سازمان‌دهی سوسیالیستی جامعه نه مانع، بلکه برعکس، محرک همکاری گسترده و فعال دو سیستم است و تنها در شرایطی همکاری هم است که ارزش مقایسه‌ای راه‌حل‌های هملی پیشنهادی آنها که غالباً متمم و مکمل یکدیگر هستند، آشکار می‌شود.

هیچ تردیدی نیست که انزوا و درخودنروفتن، سوسیالیسم را در بهترین حالت تحیف می‌سازد و در بدترین حالت موجب انحطاط او می‌شود. قصد ما از نوسازی سوسیالیسم نه ایجاد نوهی "ضد جهان"، بلکه اعمار جامعه نوینی است که آن را نه تنها با اتکا به نیروهای درونی سوسیالیسم، که هنوز هم به‌طور کامل آشکار نشده‌اند، بلکه همچنین با اتکا به تمامی دستاوردهای مترقی تمدن معاصر برپا خواهیم داشت.

سوسیالیسم به مثابه نظام اجتماعی نوین نه در بیگانگی، بلکه در همکاری با تمامی دیگر ساختارهای اجتماعی جهان معاصر است که می‌تواند شکل بگیرد، همل نماید و مراحل مختلف بلوغ خود را پشت سر بگذارد. این حقیقت ظاهراً ابتدایی در ایام ما از اهمیتی فوق‌العاده حیاتی برخوردار گشته است.

امروز دیگر بدیهی است که هر گونه پیشرفت اجتماعی در دوران ما از همل عظیم‌ترین مسایل گلوبال جهانی جدایی‌پذیر نیست و این خود در ماهیت امر به منزله میثاق همومی تدوین یکپارچگی جهان است. ویژگی دوران معاصر که تمدنی نوین را در خود می‌پرورد در آن است که وابستگی متقابل خصلتی کیفی متفاوت، یعنی به مراتب ژرف‌تر و به راستی سراسری کسب کرده است. و درست از همین جاست که باید تضادهای پویه جهانی را به شیوه‌ای جدید نگریست و آنها را همچون سیستمی گلوبال که تنوع و تاثیر متقابل اجزا متشکله آن را بیان

می‌کند، درک نمود.

در وهله نخست، صحبت بر سر تضادهای درونی جوامع جداگانه است که مکانیسم‌های حرکت خودپوی این جوامع را تعیین می‌کنند. اما تضادهای پیوند متقابل، تاثیر متقابل و مناسبات متقابل نیز اهمیت کمتری ندارند. خود طرح موضوع سیستم چنین تضادهایی نیز به خودی خود تصورات کلیشه‌ای از رشد و تکامل به اصطلاح موازی فراماسیون‌های اجتماعی - اقتصادی را درهم می‌شکند. امروز دیگر در تحلیل هریک از فراماسیون‌ها نمی‌توان تاثیر متقابل معارض تاریخی را به حساب نیاورد. شرایط عام دوران، خود را چه در جامعه سرمایه‌داری و چه در جامعه سوسیالیستی نمودار می‌سازند. و همین تغییرات هملی بودند که موجبات پیدایش یک سلسله سئوالات اصولی را فراهم آوردند: آیا سرمایه‌داری می‌تواند بدون میلیتاریسم و بدون نواستعمار موجودیت داشته باشد، و آیا از طریق تاثیر بیرونی می‌توان خطرناک‌ترین مظاهر خودمحوری خشک طبقاتی سرشت امپریالیسم را مهار کرد؟ لیکن همین سطح کیفیتا نوین وابستگی متقابل، و بنابر این، شدت فزاینده تاثیر متقابل سیستم‌های مختلف بود که زمینه همومی طرح خودنقدانه مسایل رشد و تکامل سوسیالیسم را از جانب کمونیست‌های شوروی فراهم آورد.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر بسیاری از مارکسیست‌ها تصور می‌کردند که در آینده‌ای نسبتاً نزدیک پیروزی سراسری سوسیالیسم را شاهد خواهند بود. تاریخ راهی دیگر پیمود، راهی بفرنج‌تر و پرزیزگ‌تر، خدمت تاریخی لنین در آن است که او گرایش همزیستی و همکاری درازمدت سیستم‌های اجتماعی غیرمتجانس را دید و مورد ارزیابی قرار داد. با الهام از چنین برخوردی بود که ولادیمیر ایلیچ با امتیازات خارجی موافقت کرد، از ضرورت هینی گسترش مناسبات متقابل اقتصادی روسیه شوروی با کشورهای سرمایه‌داری سخن گفت، و تاکید کرد که این ضرورت از اراده و تمایلات هر طبقه یا حزبی نیرومندتر است. چنین نگرشی به واقعیت جهان پیرامون از بسیاری لحاظ به تدوین سیاست نوین اقتصادی نیز مساهدت نمود.

بعدها تصورات دیگری دست بالا پیدا کرد، تصوراتی که واقعیت جهان را بسیار ساده‌انگارانه بازتاب می‌دادند. جهان به‌طور مکانیکی به دو بخش تقسیم گردید، مناسبات متقابل سیستم‌های اجتماعی همچون رویارویی قطبی دنیاها، اردوگاه‌ها، و بازارهای مستقل و خودمختار تفسیر گردید. این نظرات با خصلت سراسری روابط اقتصاد جهانی، با وابستگی متقابل اقتصادی کشورها و باروند رشد و گسترش فرهنگ جهانی در تضاد قرار داشتند. تفکر نوین سیاسی طالب قلبه بر این نگرش‌های هامیانه است.

هر چه آشکارتر می‌شود که: سوسیالیسم معاصر تنها در دل جهان متنوع و روبرو یکپارچگی بیشتر و نه در مقابله با آن است که می‌تواند رشد و تکامل یابد. ورود تمام‌عیار نظام اجتماعی نوین در سیستم مناسبات بین‌المللی و چه مهمی از همان درک لنینی ایده‌آل سوسیالیستی است. از همین روست که تفکر نوین، تحکیم مبانی همبستگی و همگرایی در هر صه‌های مادی و معنوی جهان معاصر را یکی از نیروهای محرکه اصلی جامعه سوسیالیستی رو به نوسازی و گذار آن به وضعیت کیفیتا نوین می‌شناسد.

همچنین با احتساب همه جانبه گرایشات اساسی رشد و تکامل کل تمدن در مجموع خود، شکل می گیرد.

و اگر چه امروز هنوز تنها از خطوط کلی می توان سخن گفت و اگر چه ضروری است تا این خطوط به طور جدی مشخص گردند، با این وجود همین سطح از تبیین تئوریک سیمای نوین و در حال شکل گیری سوسیالیسم نیز اهمیت حیاتی دارد.

می توان گفت که در مجموع درک معینی از خصایل اساسی سوسیالیسم نو سازی شده دارد یا می گیرد. در گزارش های میخائیل گارباجف در کنفرانس نوزدهم ۱۹۸۹ به این امر پرداخته شده است. قبل از همه روشن است که سوسیالیسم نو سازی شده، جامعه انسان های کار و برای انسان های کار است که ایده آل آن را رشد آزادانه هر فرد به مثابه شرط رشد آزادانه همه تشکیل می دهد. جامعه ای است مبتنی بر اصول انسان گرایی، دموکراسی سوسیالیستی و عدالت اجتماعی و مبتنی بر تئوت اشکال مالکیت اجتماعی و خود تنظیمی حیات اقتصادی در کنار نقش هماهنگ کننده مرکز اقتصادی.

همچنین روشن است که سوسیالیسم نو سازی شده، جامعه فرهنگ و اخلاقیات متعالی است که مردم سالاری را در چارچوب دولت حقوقی سوسیالیستی و حقوق بشر را در شالوده بهترین سنن دموکراسی شورایی و تجربه پویه دموکراتیک بشریت تأمین می نماید. وجه مشخصه مهم وضعیت کیفیتا نوین سوسیالیسم عبارت است از برابر حقوقی واقعی تمامی اقوام و ملل که همه شرایط را برای رشد و تکامل همه جانبه آنها و برای هماهنگ ساختن مناسبات میان ملت ها در چارچوب فدراسیون شورایی فراهم می آورد. و بالاخره، نشانه جامعه ای است که امکانات گسترده ای برای ابراز هویت آزادانه شخصیت و بروز ابتکار و استعداد فراهم آورده و متحقق می سازد آن است که برای جهان پیرامون باز باشد و از تشریک مساهی در ایجاد مناسبات نوین بین المللی بر پایه انتخاب آزادانه، برابر حقوقی، امنیت و ارزش های هموم بشری استقبال نماید.

سوسیالیسم در بطن تاریخ جهانی و به مثابه تجسم و تداوم ایده آل هایی انسانی پدید آمد که بشریت فراهم آورده بود. ناهنجاری ها و رکود سوسیالیسم بر این ایده آل ها سایه افکند. تفکر نوین سیاسی که هسته تئوری و ایدئولوژی نو سازی انقلابی را تشکیل می دهد طالب احیا و بسطو تکامل خلاق ایده آل ها در ایام ماست.

سوسیالیسم تنها در همکاری با کل جهان و تنها با افزایش سهم خود- ضمن برابر حقوقی با دیگران- در رشد و تکامل تمدن جهانی و با فراگیری هر آنچه که در تجربه اجتماعی هموم بشری (در حیات سیاسی، اقتصادی و معنوی) با ایده آل ها و ارزش های سوسیالیسم ناسازگار نیست، می تواند با تمام قوا رشد و تکامل پیدا کند.

برخلاف تصورات سنتی، نظام اقتصادی سوسیالیسم نو سازی شده نمی تواند تنها به مسایل مربوط به اشکال مالکیت بر وسایل تولید محدود باشد. در کنار مالکیت، این مسایل مربوط به حاکمیت اقتصادی و آزادی اقتصادی هستند که در آشکار کردن ماهیت روندهای اجتماعی نقش بیشتر بازی می کنند.

همان گونه که می دانیم، تراکم و تمرکز بیش از حد قدرت اقتصادی (از کنترل اطلاعات گرفته تا تحقق اجتماعی- اقتصادی تصمیماتی که به

مشترک تمامی نیروهای انقلابی و دموکراتیک در راه بازسازی سیستم روابط اقتصادی جهانی به منظور استقرار نظم نوین اقتصادی جهانی و امحای وابستگی نواستعماری.

انقلاب اجتماعی ایام ما به مثابه روندی جلوه گر می شود که چندین دهه به طول می انجامد. انقلاب بورژوازی نیز در طول یک دوران کامل تاریخی به انجام رسید. پس چرا انقلاب سوسیالیستی که ژرف ترین تحول را در خود شالوده هستی و آگاهی اجتماعی بشریت تحقق می بخشد و نظام هزاران ساله مناسبات مالکیت خصوصی را ملغی می سازد، باید انقلابی کوتاه مدت باشد؟ اگر این انقلاب بفرنج تر و متضادتر است، پس آیا محتمل تر نیست که بسیار هم طولانی باشد؟ آیا آغاز این گذار تاریخی طولانی و چندبعدی را به جای مدل کل روند نگرفته ایم؟

هر چه آشکارتر می شود که حرکت جامعه بشری به سوی سوسیالیسم در مجموعه انقلابات سوسیالیستی و در ساختمان جامعه نوین در آن کشورهایی که این انقلابات در آن ها رخ داده اند، خلاصه نمی شود. در این حرکت که روندی جهانی به شمار می رود، پیشرفته ترین- به لحاظ اجتماعی- کشورهای سرمایه داری در یک سلسله پارامترها به "مدل" نضج یافته سوسیالیسم "نزدیک تر هستند تا برخی جوامع سوسیالیستی. از این نقطه نظر، انقلاب اجتماعی عبارت از استحاله بسیار بفرنج تمدن بشری بر پایه میانی انسان دوستانه ای است که بشارت گر آن جامعه مولود اکتبر و روندی انقلابی هم پیوند و ملهم از آن است.

در این حرکت بالنده تمدن، معیار بنیادی پیشرفت اجتماعی را قبل از هر چیز انسانی شدن تاریخ، یعنی تبدیل انسان به هدف رشد و تکامل تاریخی تشکیل می دهد. و شاید همین انسانی شدن تاریخ است که امروز مضمون اجتماعی اصلی حرکت فیرخطی جهان متقابلا به هم وابسته به سوی یکپارچگی بیشتر را رقم می زند و این حرکت نیز به نوبه خود یکی از عناصر تعیین کننده مضمون روند دیگری است که به لحاظ تاریخی پر دامنه تر است و آن هم عبارت است از روند شکل گیری فرماسیون اجتماعی کمونیسم.

ویژگی دوران معاصر همچنین در آن است که معیارهای پیشرفت اجتماعی مولود سوسیالیسم که با نو سازی سوسیالیسم رشد و تکامل بیشتر می یابند، ابعادی هموم بشری و هموم تمدنی کسب می کنند. کارل مارکس شخصیت آزاد را که بر رشد و تکامل همومی افراد و بر تبدیل بهره دهی جمعی و اجتماعی آنها به ثروت اجتماعی شان استوار است، نشانه فرماسیونی می دانست که به جانشینی جامعه آنتاگونیستی می آید. (کارل مارکس و فردریک انگلس، جلد ۴، بخش ۱، صفحه ۱۵۱). و همین امر است که امروز در شمار معیارها و مولفه های همومی رشد متکامل اجتماعی جهانی قرار می گیرد.

این امر در هین حال دید ما را در مورد معیارهای سوسیالیستی بودن و در مورد مختصات وضعیت کیفیتا نوین جامعه سوسیالیستی و سعت می بخشد. مواضع مادر این زمینه نه تنها بر پایه تعمیم پراتیک سوسیالیسم واقعا موجود و تجربه جنبش بین المللی کمونیستی، کارگری و دموکراتیک در مبارزه برای تحقق ارزش های سوسیالیستی، بلکه

مسایل رشد و تکامل سوسیالیسم- یعنی شقوق، مراحل، صفات ممیزه و چشم اندازهای آن- را بدون مقایسه با سرمایه داری که سلف تاریخی او به شمار می رود، نمی توان با همق لازم درک کرد. تغییرات طوفانی و پردامنه سیستم سرمایه داری در سال های ۷۵ و ۸۰ طلب می کنند تا تحولات عظیم ساختاری در مکانیسم خودپویی و نفی خود سیستم سرمایه داری را در سطحی جدید درک نماییم. امروز روشن است که سرمایه داری دولتی- انحصاری پیشرفته دیگر مدت هاست که یک تغییر شکل ساده سرمایه داری رقابت آزاد نبوده، بلکه شکل کیفیتا متفاوتی از شیوه تولید سرمایه داری است که امکانات رشد و تکامل نیروهای مولده را در خود حفظ می کند.

بسیاری چیزها حکایت از آن دارند که سرمایه داری به مرحله ای بفرنج تر از تکامل تاریخی خود و به نوبه "دوران گذار" وارد شده است که سرشار است از تحولات کیفی عظیمی که به لحاظ ابعاد و نتایج خود (اگر اهمیت بیشتر نداشته باشند) با تغییرات آغاز فرن قابل مقایسه اند. از این رو، موضوع مرحله جدید رشد و تکامل سرمایه داری که از جانب تعدادی از دانشمندان شوروی به عنوان یک فرضیه طرح شده است، موجه می نماید. آنچه که وجوه مشخصه این مرحله را رقم می زند عبارت است از مرحله نوین و رو به انکشاف انقلاب علمی- فنی که در جریان آن تمامی عناصر نیروهای مولده اجتماعی و از جمله تقسیم کار نو سازی می شوند؛ گذار در شرف پایان به سوی نوع انتانسید (منبع اندوز) باز تولید؛ تلفیق متضاد بازسازی ساختاری اقتصاد با انباشت تضادهایی که در چارچوب یک بحران ادواری قابل حل نیستند. و آنچه که نشانه های این تغییرات را در خود بازتاب می دهد عبارت است از سطح جدید بین المللی شدن تولید و فراملی شدن اقتصاد سرمایه داری در مجموع؛ انعطاف پذیری مناسبات تولیدی ناشی از تغییرات ساختار مالکیت؛ بازسازی مکانیسم اقتصادی در جریان دستیابی به معیار نوین تلفیق عوامل بازار و تنظیم متمرکز و در جریان باز توزیع اولویت های سیاست اقتصادی و اجتماعی؛ دگرگونی های چشمگیر مکانیسم تحقق حاکمیت سیاسی بورژوازی.

سرمایه داری آن ساخت اجتماعی است که سوسیالیسم ضمن تثبیت هویت خود به مثابه یک سیستم اجتماعی، همواره با آن مقایسه می گردد. در هین حال در چارچوب سرمایه داری عناصری از مناسبات اجتماعی نضج می گیرد که می توانند در جامعه سوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفته و پذیرفته شوند.

در مجموع، امروز گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم نه همچون حرکتی مستقیم الخطو از پایین به بالا، بلکه همچون دوران تاریخی دراز مدتی به نظر می رسد که در طول آن تحولاتی با خصلت های گوناگون به وقوع می پیوندد. این گذار نه "کشانده شدن" ساده کشورها از یک سیستم اجتماعی به سیستم دیگر، بلکه روندی هم پیوند و چندبعدی است که در آن گرایشات گوناگون به طور تنگاتنگ در هم می تنند؛ هم رف ارگانیک سرمایه داری بر پایه جدیدترین تکنولوژی و اقتصادی که خود فراهم آورده است، هم نو سازی ژرف و انقلابی خود سوسیالیسم در انطباق با الزامات انقلاب علمی- فنی، هم اشتراک مساهی سیستم های اجتماعی در حل مسایل گلوبال جهان معاصر، هم مبارزه

جانب جامعه و ارگان‌های مرکزی تنظیم‌کننده آن تبیین می‌شوند. آزادی تولیدکننده نیز به معنای آزادی اوست در انتخاب اشکال سازمانی و اداری، در انتخاب شرکا و منابع تامین مالی، در ورود به این یا آن سازمان‌های اقتصادی و ورود به هر بازار و از جمله بازار خارجی و بالاخره آزادی‌اش در برنامه‌ریزی تولیدی و سرمایه‌گذاری.

لیکن نتیجه مطلق کردن آزادی اقتصادی تولیدکنندگان و در تقابل قرار دادن آن با آزادی مصرف‌کنندگان عبارت خواهد بود از زورگویی انحصاری، خودمحموری اداری و گروهی، تقلب در کیفیت کالاها، خطرات اکولوژیک و غیره. از این رو آزادی مصرف‌کننده نهایی نیز از اهمیت کمتری برخوردار نیست. و آنچه برای تامین این آزادی ضروری است عبارت است از: امکان گسترده انتخاب کالاها و خدمات، آن هم بدون صف، بدون محدودیت و بدون تقلای فرساینده و طولانی، تضمین کیفیت کالاها، مصرفی، تحقق اصل "همیشه حق با مصرف‌کننده است" و وجود الگوریتم‌های مصرفی.

انسانی که در رفتار اقتصادی خود آزاد باشد خوداستاد زندگی خویش را انتخاب می‌کند؛ یا می‌خواهد بهتر و پرکیفیت‌تر مصرف کند، که در این صورت بیشتر و شدیدتر کار می‌کند، و یا حاضر است مصرف خود را محدود کند تا وقت فراغت بیشتر داشته و یا با شدت کمتری کار کند. هویت‌یابی انسان در هستی اقتصادی متضمن اشکال گوناگون رابطه او با جامعه و اعضای جامعه است. در همین حال موضع فعال-و نه موضع منفعل و طفیلی‌گرایانه او را قریحه و ابتکارش رقم می‌زند. منو هیت انگیزه‌های کار فرمایی و بخصوص فعالیت کارفرمایانه، شاید زیان‌بارترین و بازدارنده‌ترین اصل سیستم فرماندهی-توزیعی بوده است. از همین رو، آگاهی متعارف تمایل دارد تا عناصر موجود و قابل پیش‌بینی فرهنگ کار فرمایی را نفی نماید. و این در حالی است که سوسیالیسم به مثابه نظامی انسانی‌تر و بری از استثمار که نه تنها به منافع جامعه، بلکه به منافع هر فرد جداگانه نیز توجه دارد موظف است تا احتمالاً بیش از سرمایه‌داری به ابتکار، قریحه و آفرینندگی میدان دهد. برای بروز این ابتکارات در اقتصاد سوسیالیستی نیز باید هر عضو جامعه از امکان تجمع آزادانه به منظور فعالیت مشترک اقتصادی برخوردار گردد.

تضمین حاکمیت اقتصادی خلق و آزادی اقتصادی انسان به گونه‌ای تنگناست با سطح و میزان شریک‌های اداره امور اقتصاد پیوند دارد. اما هدف اقتصادگردانی سوسیالیستی را سمت‌گیری در جهت رشد خطی و کمی تشکیل نمی‌دهد، بخصوص که این سمت‌گیری ممکن است به سوی گزارش‌بازی، جعل اسناد، اقتصاد پریخت و پاش، خطرات اکولوژیک و غیره میل کرده و با نیازهای واقعی جامعه مستقیم‌تر تضاد قرار گیرد. از این رو سوسیالیسم نوسازی شده باید بر تراز نوینی از رشد اقتصادی متمرکز گردد.

در شرایط حجم ثابت یا حتی رو به کاهش مصرف منابع اولیه تولید، برآورده ساختن هر چه بیشتر نیازهای مادی و معنوی مستلزم گذار به بازتولید اجتماعی منبع‌اندوز و مستلزم اقتصاد پویایی است که نسبت به نوآوری‌های علمی-فنی و تغییر اولویت‌های مصرفی سریعا واکنش نشان داده و برای بازسازی‌های پی‌درپی ساختاری آمادگی

مالکیت را بیشتر تکنولوژی، دانش، ایده، و اطلاعات تشکیل می‌دهد تا وسایل مادیت‌یافته تولید. و بالاخره در دوران معاصر، تصاحب مطلق کاهش‌یافته و تصاحب جزئی و ناکامل دست بالا پیدا می‌کند؛ عوامل تملک، توزیع و استفاده منقسم می‌شوند. و این یا آن وجوه حقوق و اختیارات صاحب به نهادهای مختلف اجتماعی واگذار می‌گردد.

پلورالیسم اشکال مالکیت نیز باید با این تنوع هینی روندهای اجتماعی شدن انطباق داشته باشد. در همین حال، گرایش اجتماعی شدن به آنجا می‌انجامد که همانا یک عامل فردی یا جمعی در چند نوع مناسبات وارد می‌شود و با چند شکل مالکیت پیوند می‌خورد. و مرزهای دقیق پیشین چه در رابطه با عامل و چه در رابطه با موضوع اشکال گوناگون مالکیت، محو می‌شوند. در این رابطه، مساله سوسیالیستی دانستن پیشاپیش این یا آن شکل مالکیت (خواه ملی شده و خواه فردی) موضوعی بحث‌انگیز می‌نماید. از این رو معیار قابل‌تکثیر را می‌تواند کارایی این اشکال در تحقق آماج اساسی سوسیالیسم و همچنین شمول آنها در سیستم اجتماعی شدن سوسیالیستی به دست دهد (آماج اساسی سوسیالیسم از دیدگاه لنین عبارت است از دستیابی به رفاه کامل و رشد آزادانه و هماهنگ شخصیت، سیستم اجتماعی شدن سوسیالیستی نیز همان تقسیم و تعاون کارزنده و مادیت‌یافته و اطلاعات است). و بدیهی است ضرورتی ندارد تا "فهرستی" صوری از اشکال مجاز مالکیت در سوسیالیسم تهیه شود، به شرط آنکه این اشکال با بیگانگی کارکنان همراه نباشند. تنها یادآور می‌شویم که آینده از آن اشکال مختلطی است که مبانی مالکیت جمعی، دولتی و سهامی را در خود تلفیق می‌کنند و امکان می‌دهند تا ضمن مسئولیت اقتصادی در قبال شریک‌های تولید، انگیزش اقتصادی زحماتشان و ابتکار و قریحه آنان هر چه کامل‌تر تبارز یابد.

دیالکتیک مدرنیسم و نظام اقتصادی سوسیالیسم اقتضا می‌کند تا حاکمیت اقتصادی خلق با آزادی اقتصادی فرد و کلکتیو تلفیق شود. این آزادی را در وهله اول، دینامیک آزادانه کار و از انحصار خارج کردن بازار کار تامین می‌نماید. به این منظور ضروری است تا وابستگی کارکنان به محیط‌اداری و اجتماعی و نیز اشکال گوناگون محدودیت تحرک نیروی کار، یعنی وابسته شدن اقتصادی و فیر اقتصادی کارکنان به محل‌های معین جایابی کارشان از بین برود و صلیبت و ایستایی سیستم سازماندهی و پرداخت کار در اقتصاد ملی برطرف گردد. کار "بر حسب استعداد" که وجه مشخصه سوسیالیسم را تشکیل می‌دهد تحقق پذیر نخواهد بود، هر آینه هر یک از کارکنان امکان آن را نداشته باشند تا خود محل و شکل جایابی کار خود را انتخاب نمایند.

در شرایط انحصاری بودن پیمان کاران، در شرایط زورگویی دولت که خیلی وقت‌ها صلاحیت اقتصادی را تحت الشعاع قریبه‌های سیاسی-ایدئولوژیک آن قرار می‌دهد، در شرایط کمیابی محصولات در بازار و بالاخره در شرایط سیستم مالی بیمار، آزادی اقتصادی انسان تحقق پذیر نیست. راهنای طبیعی جامعه سوسیالیستی همان منافع فرد زحمتکش و مصرف‌کننده است. و این منافع یا در وضع بازار (اگر این منافع روزمره باشد) و یا در اولویت‌های درآمدی بازتاب می‌یابد که از

شیوه‌های خودکامانه اتخاذ می‌شود) در شرایط سیستم فرماندهی-توزیعی موجب بیگانگی زحمتکش‌ها چه از مالکیت و چه از حاکمیت گردید. به همین جهت است که نوسازی نظام اقتصادی سوسیالیسم با تمرکززدایی قدرت اقتصادی، با پلورالیسم تمامی اشکال اقتصادی (و نه تنها اشکال مالکیت)، و با ایجاد بافت مترامی از رابطه‌های انقی اقتصادی توضیح داده می‌شود که بدون آنها اجتماعی کردن واقعی تولید امکان‌پذیر نیست. سیمای نوین ضرورتاً، هم حاکمیت اقتصادی خلق و هم آزادی اقتصادی انسان را ایجاد می‌کند.

آنچه که حاکمیت اقتصادی خلق را رقم می‌زند عبارت است از: رفع بیگانگی خلق از وسایل و نتایج تولید، گسترش تنوع اشکال مالکیت اجتماعی، رفع انحصار و تمرکز بیش از حد در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، گسترش اشکال گوناگون کارفرمایی، ابتکار اقتصادی زحمتکش‌ها، و نهادهای متنوع و شریک‌متمرکز فعالیت اقتصادی. این همه پایه‌ای به دست می‌دهد برای حل تضاد میان اولویت‌های اجتماعی و شریک‌های اداره امور اقتصادی.

یکی از تجلیات آرمونی تاریخی که در دوران معاصر در برابر سیستم‌های اجتماعی قرار گرفته است عبارت است از رشد توقعات و دعوای اجتماعی مردم. این امر در شرایط انقلاب علمی-فنی که ارزش نیروی کار را به طور هینی بالا می‌برد و در شرایط فضای باز اطلاعاتی که به انسان شوری امکان می‌دهد با استانداردهای امروزین مصرف آشنا شود کاملاً قابل درک است. اما هنوز در کشور ما در زمینه بهره‌دهی کار و شریک‌های اقتصادی، رشدی متناظر با این "انقلاب نیازها" به چشم نمی‌خورد. از این رو این وظیفه هر چه مبرم‌تر می‌نماید که از پاترنالیزم دولتی و روی دیگر آن-انگیزش طفیلی‌پرور توزیعی در جامعه-دوری جسته و مکانیسم‌های سازمانی، اقتصادی و اجتماعی و حقوقی یک اقتصاد بسیار شریک‌بخش و مبتنی بر صرفه‌جویی منابع را ایجاد نماییم.

بسیاری از این مکانیسم‌ها در پراکتیک جهانی به خوبی ساخته و پرداخته شده‌اند و پایه نهادی فرهنگ اقتصاد رقابتی-بازاری را تشکیل می‌دهند. عناصری از این فرهنگ اقتصاد می‌توانند به طور کامل در سیستم اقتصادی سوسیالیسم به کار گرفته شوند که از آن جمله‌اند: بازار کالا، سرمایه‌گذاری، اسناد بهادار، و طرح‌های علمی، سیستم اعتبار بانکی و بازگانی، تعدد مراکز سرمایه‌گذاری، تلفیق موسسات بزرگ، متوسط و خرد و غیره.

پس در این صورت ویژگی سیستم اقتصادی سوسیالیسم در چیست؟ قبل از همه در مناسبات اجتماعی خاص این نظام که به هیچ وجه در مناسبات مالکیت خلاصه نمی‌شود، و بگذریم که خود این مناسبات هم امروزه به مراتب فنی‌تر، متنوع‌تر و بفرنج‌تر از آن است که در قرن ۱۹ و حتی در نیمه اول قرن ۲۰ تصور می‌شد. از یک سو، تکانه‌های اجتماعی-اقتصادی قرن حاضر موجب استحاله عامل مالکیت گردیده است و وظایف او را هملا گروه‌ها و اقشار متنوع اجتماعی، حرفه‌ای، شغلی، سنی، ملی، منطقه‌ای و غیره‌ای انجام می‌دهند که منافعشان به طور بفرنج در هم بافته شده است. از سوی دیگر، سیستم اقتصاد ملی به شدت بفرنج گشته و خود موضوع مالکیت به طور بنیادی تغییر کرده است.

در دوران معاصر و به گونه‌ای فزاینده، موضوع

رئیس جمهور جدید لبنان انتخاب شد

موفقیت نیروهای چپ در برزیل

به دنبال قتل رنه معاود، الیاس حراوی، به جانشینی وی برگزیده شد. وی دو روز پس از قتل رنه معاود، توسط ۴۷ تن از ۷۲ نماینده پارلمان که هنوز زنده اند! انتخاب گردید. حراوی اعلام کرد رامي را که معاود آغاز کرده ادامه خواهد داد. وی هشت ساعت پس از انتخاب خود سلیم الحصری به عنوان نخست وزیر معرفی کرد. ولید جنبلاط و نبیه بری نیز عضو کابینه جدید هستند. میشل هون، که بر بیروت شرقی و مناطق مسیحی نشین اطراف آن حکومت می کند، همانطور که انتظار می رفت از به رسمیت شناختن رئیس جمهور جدید نیز خودداری ورزید. وی طی اعلامیه ای اعلام کرد کابینه هون تنها حکومت قانونی لبنان می باشد. میشل هون از ماه سپتامبر ۱۹۸۸ مقر سیاسی نظامی خود را در بعدا بنا کرده است. در آن زمان پارلمان لبنان موفق نشده بود جانشینی برای امین جمیل انتخاب کند. جمیل در آخرین اقدام خود به عنوان رئیس جمهور، میشل هون را به ریاست یک حکومت موقت منصوب کرد، اما سلیم الحصری، نخست وزیر وقت از به رسمیت شناختن این حکومت خودداری

ورزید. بنابراین دو دولت در بیروت پدید آمد. پس از برنامه صلح اتحادیه هرب در ماه اکتبر امسال رنه معاود به ریاست جمهوری انتخاب شد. پس از قتل او الیاس حراوی به این مقام برگزیده شد. هون نه انتخاب معاود را به رسمیت شناخت و نه انتخاب حراوی را به رسمیت می شناسد. حراوی در روز سه شنبه گذشته ژنرال هون را از مقام خود به عنوان فرمانده نیروهای مسلح خلع کرد. به جای وی سرهنگ لاهود به این مقام برگزیده شد. اکنون قوای ۳۰۰۰۰ نفره ارتش لبنان منشعب شده است. ۱۵۰۰۰ نفر تحت نظارت میشل هون هستند. باقی نیروها در دست رئیس جمهور جدید و فرمانده قوای مسلح وی، سرهنگ لاهود، متمرکزند. پرزیدنت حراوی اعلام کرده که خواهان صلح در یک لبنان واحد است. ناظران در بیروت معتقدند که در صورت امتناع هون از پذیرش سیادت حکومت جدید، امکان اینکه الیاس حراوی به کمک نیروهای سوری به مواضع هون در بعدا حمله کند تا کاخ ریاست جمهوری را که در آنجا مستقر است از چنگ وی درآورد، منتفی نیست.

۸۲ میلیون رای دهنده برزیل سیمای کشور خود را تغییر دادند. در اولین مرحله یک انتخابات تاریخی ایثاسیو لولا رهبر اتحادیه کارگری، پس از فرناندو کولور، کاندیدای نیروهای دست راستی، بیشترین آرا را به خود اختصاص داد. به این ترتیب رئیس جمهور جدید در روز ۱۷ دسامبر از میان این دو نفر انتخاب خواهد شد.

بر پرچم ملی سبز- زرد- آبی رنگ برزیل کلمات نظم و پیشرفت نقش بسته است. در پنجمین کشور بزرگ جهان با ۱۴۰ میلیون سکنه - تاکنون همه چیز، به جز نظم و پیشرفت وجود داشته است. تورم از مرز ۱۰۰۰ درصد در سال گذشته است. حداقل حقوق ماهانه حدود ۳۵ دلار است. یک درصد مردم ۶۰ درصد ثروت ها را در تصاحب خود دارند. در حالی که ۳۰ میلیون کودک بی پناه و بی خانمان در خیابان ها زندگی می کنند. آخرین انتخابات واقعی در سال ۱۹۶۰ صورت گرفت و از سال ۱۹۶۴ به این سو ارتش حکومت می کند. پیشرفت

برای ۷۰ میلیون برزیلی که در زیر خط فقر زندگی می کنند یک حرف کاملاً توخالی است.

موفقیت نسبی فرناندو کولور دست راستی نباید کسی را متعجب کند. در پشت او شبکه انحصاری تلویزیون "رده گلوبو" قرار داشت. برعکس تعجب آور است که وی بیش از ۲۷ درصد نیاورد. بریزولا، کاندیدای چپ های معتدل، آرا خود را در جنوب، جایی که مردم رفاه نسبی دارند، بدست آورد. اما او در شمال عملاً آرایشی بدست نیاورد. همین امر پیروزی لولا را تعیین کرد. کارگران صنعتی و روشنفکران انقلابی به لولا رای دادند. پشت سر لولا، حزب کارگری و کلیسای مارتی برزیل ایستاده است. در منطقه شمال لولا به مثابه کاندیدای ائتلاف حزب کارگر، حزب کمونیست و حزب سوسیالیست بیشترین آرا را به خود اختصاص داد. ارتشیان که اینک پس از ۲۵ سال حکومت و ویرانه کردن کشور کنار می روند، با آخرین مهره خود پرزیدنت خوزه سارنی بازندگان اصلی انتخابات بودند.

داشته باشد.

طرفیت انسان دوستانه سوسیالیسم نوسازی شده از بسیاری لحاظ به خصلت همکاری تمدن و طبیعت، یعنی اقتصاد و اکولوژی وابسته است. ایجاد سیستم هماهنگ اقتصادی- اکولوژیک شرط لازم تامین چشم انداز تاریخی سوسیالیسم به شمار می رود. و جالب توجه است که در حال حاضر دانشمندان سوسیال-دموکرات مسلک غرب روی ایده های "سوسیالیسم اکولوژیک" و "سوسیالیسم با چهره اکولوژیک" کار می کنند.

گذار به اقتصادی با سمت گیری اجتماعی، مصرفی و اکولوژیک نیازمند بازنگری نقش و مقام مرکز و مناسبات آن با مناطق پیرامونی است (و آن هم نه تنها به لحاظ جغرافیایی، بلکه همچنین به لحاظ اجتماعی، حرفه ای و فیره) مساله بر سر آن است که در سیستم موجود، نیروی مرکز در ماهیت امر به جنگ "تطلب های" اداری افتاده است. از این روست که نه تنها به تمرکززدایی پیگیری در تصمیم گیری اجتماعی- اقتصادی نیازمندیم، بلکه باید از چندمرکزی اداری- بوروکراتیک به سوی چندمرکزی جامعه مدنی گذار کنیم و تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری را به بانک های سرمایه گذار، تدوین سیاست ملی- فنی را به بنیادهای پژوهشی و حل و فصل مسایل اجتماعی را به مقامات محلی واگذاریم. همه این ها تجلی روندهای هینی بفرنج شدن سیستم اجتماعی-

اقتصادی، پلورالیسم اقتصادی، و دموکراتیزاسیون می باشند. در همین حال به موازات این تنوع، روندهای همگرا نیز انکشاف می یابند، چرا که وابستگی متقابل چه در میان حلقه های اقتصاد و چه در میان وظایفی که باید انجام شوند بیشتر می شود. از این رو مفهوم "مرکز نیرومند" در متن برداشت نوسازی شده از سوسیالیسم وارد می شود. البته با این تدقیق که اولاً، بیشتر نه مرکز، که "مراکز نیرومند" مورد نظر است (مراکز مالی، اعتباری، اقتصاد خارجی، پژوهشی و فیره) ثانیاً دایره اختیارات این مراکز صریحاً تفکیک شده است، و ثالثاً شیوه تصمیم گیری دموکراتیک است و جامعه بر اجرای این تصمیمات کنترل دارد.

اقتصاد (و نه تنها مالکیت) دولتی باید به میزان هر چه بیشتری به اقتصاد اجتماعی یعنی به اقتصاد شهروندان تبدیل شود. چه به لحاظ اهداف، اولویت ها و شیوه های تصمیم گیری و چه به لحاظ کنترل و مسئولیت. مکانیسم عمل چنین اقتصادی را بازار قابل تنظیم تشکیل می دهد و این بازار همه دار آن است که سمت گیری در جهت مصرف کننده، صرفه جویی منابع، جایابی، شریخش کار اجتماعی، فرهنگ والا و بالاخره انعطاف و پویایی اداره امور اقتصادی را تامین نماید. تنظیم بازار، پیش بینی تحولات آن، سمت گیری اش در جهت اولویت هایی که جامعه برای رشد تعیین می کند و بالاخره رفع به موقع و

از آن بالاتر، پیش گیری موارد عدم توازن، آن اشکالی هستند که می توانند حرکت با برنامه را به طور مقتضی در شرایط معاصر تحقق بخشند. به یاد آوریم که لنین اقتصاد با برنامه را اقتصادی می دانست که توازن آن همواره و آگاهانه قابل تامین باشد. شروط لازم واقعی بودن تنظیم عبارتند از سالم سازی امور مالی، مهار تورم، تامین ثبات روبل، و حل مسایل مربوط به موسسات ضررده و کم سود. و البته، چشم اندازهای دراز مدت گسترش مناسبات بازاری بستگی دارد به گذار اصولی از اقتصاد بسته به اقتصادی باز که در مدار اقتصاد جهانی قرار گرفته باشد. الزامات سنگین و الگوهای رفیع بازار جهانی امر می نیرومند خواهند بود برای ارتقا ظرفیت رقابت تولید کنندگان شوروی، برای تحرک بخشیدن به مبانی رقابت، و برای سمت گیری در جهت پیشرفت علمی- فنی امروز و فردا. اقتصاد خارجی باز قادر است تا هم شیوه اقتصاد گردانی تولید کنندگان و هم سبک زندگی مردم شوروی را به طور بنیادی دگرگون سازد. در همین حال روشن است که دوره تطابق، دشواری های گریزناپذیر خود را دارد. اما گسترش امکان انتخاب، میزان آزادی اقتصادی و تحرک یافتن حاملین اقتصادی، این ضایعات را تا اندازه زیادی جبران می کنند.

(ادامه دارد)

درباره سیمای نوین سوسیالیسم

از نشریه "کمونیست" شماره ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۹

والا ترین معیارهای دموکراتیک و انسانی دوران معاصر انطباق دارد. این کار توسط رهبری حزب کمونیست آغاز شده و در نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب و در پلنوم‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ادامه یافته است.

مقاله حاضر مدهی ترسیم جز به جز سیمای جامعه نوین نبوده، بلکه تنها احکامی را که قبلاً طرح شده است تعمیم می‌دهد و جمع بندی می‌کند و وجوه جدیدی از مساله را که امروز در صدر قرار گرفته‌اند، مورد توجه قرار می‌دهد، این هم تنها آغاز بحث و مروری بر نظرات موجود است. این مقاله توسط هیات تحریریه نشریه "کمونیست" و در تماس با

بقیه در صفحه ۸

برداشت نسبت به جامعه سوسیالیستی نو سازی شده که ما با کولباری فنی از هفتاد سال تجربه آموزنده مشغول ساختمان آن هستیم، احتمالاً در پژوهش‌های تئوریک امروز ما و در فکر و ذکرهای همه شعروندان ما نکته مرکزی را تشکیل می‌دهد و نیروی فکری تمام جامعه را به خود مصروف می‌دارد. خصایل سیمای نوین سوسیالیسم که ایده‌های مارکس و لنین، تجربه نخستین سال‌های حکومت شوروی و اندوخته‌های دوستان ما در کشورهای برادر، و بالاخره ارزش‌های هموم بشری و اصول تفکر نوین سیاسی را در خود تلفیق می‌کند، به تدریج به صورت سیستم معینی از نظرات و به صورت برداشتی تئوریک از سوسیالیسم شکل می‌گیرد. برداشتی که با

Schließt auch, inhaltlich
am 40. Dezembers
der internationale Tag der
Menschenrechte im Parlament
gegen die MENSCHENRECHTSVERLETZUNGEN
im IRAN der Menschlichkeit an!

بناست با مبارزه جهانی حقوق بشر
بر زنجیر افشائی در اعتراض به کربلای
شکن دشمن
حقوق بشر در ایران برنید!



اعلامیه فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان فدرال در
حمایت از تظاهرات به مناسبت روز جهانی حقوق بشر

دهم دسامبر چهل و یکمین سالگرد تصویب اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق بشر است. بدین مناسبت جمعی از سازمان ها و انجمن های دموکراتیک ایرانیان مقیم آلمان فدرال دعوت به برگزاری تظاهراتی در بن در روز نهم دسامبر کرده اند. ما ضمن حمایت از این تظاهرات همه هموطنان آزادیخواه خود را فرامی خوانیم به منظور افشای ستم هولناکی که بر مردم ایران می رود، در تظاهرات شرکت کنند.

جلب توجه افکار همومی به وضعیت حقوق بشر در میهن ما امسال به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که تحولات اخیر اروپا تا حدی مسائل جهان سوم و به ویژه نقض ابتدایی ترین حقوق انسان ها توسط حکومت هایی مانند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار داده است. ما باید در روز جهانی حقوق بشر فریاد برآوریم که تا وقتی صدها میلیون انسان مانند مردم ما از حق زندگی شرافتمندانه و آسوده محرومند، هیچ مناسبتی برای جشن گرفتن در روز حقوق بشر وجود ندارد؛ بلکه این روز باید روز آگاهی از مسئولیتی باشد که بر دوش همه جهانیان در قبال حقوق بشر در سراسر جهان سنگینی می کند. در حالی که برای مردم اروپا آزادی مسافرت تا این حد همده است که در تحولات همیق سیاسی نقش مهمی ایفا می کند، حکومت ایران هر هفته ده ها نفر را در ملاعام به دار می آویزد.

در تظاهرات نهم دسامبر شرکت کنیم و گوشه ای از فجایع حکومت آخوندها را بازتاب دهیم!
این تظاهرات را به جلوه ای از هماهنگی و همگامی مان در افشای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

دسامبر ۱۹۸۹

فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان فدرال

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی
پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك
مارك ۱۳	مارك ۱۱	☐ شش ماهه
۳۴	۲۱	☐ يك ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك
مارك ۳۰	مارك ۲۷	☐ سه ماهه
۵۸	۵۲	☐ شش ماهه
۱۱۵	۱۰۲	☐ يك ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 285
MONDAY, 4 DEC. 89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید